

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۰۹ / سال دهم / اسفند ماه ۱۴۰۰ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



یکشنبه های اعتراض تا پیروزی ادامه دارد!





ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۰۹
سال دهم / اسفند ماه ۱۴۰۰ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی ص ۸

آیا کمین کارگری ۱۴۰۱ برقرار خواهد بود؟ ص ۲۳

عیدی حقیرانه برای همه! ص ۲۴

ما چه می خواستیم! (۱) ص ۲۵

بکشنه های اعتراض! ص ۲۹

نان، همبستگی، پیروزی به نمر خواهد نشست! ص ۳۸

قربانیان سیستم سرمایه داری دو سو! ص ۳۹

از جنبش کارگری جهانی پیاموزیم! ص ۴۰

قشر متوسط چه کسانی هستند؟ ص ۴۳

خانه! ص ۴۴

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۴۵

فریبکاری در واگذاری ها به بورس ص ۴۶

زباله گردی؛ شغل ۱۴ هزار نفر در تهران! ص ۴۷

اهمیت تفکیک زباله! ص ۴۸

ماهیت سرمایه داری کنونی ص ۴۹

کارگران باید پیاموزند تا بهتر بیکار کنند! ص ۵۰

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

= کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

مراجعه کنید

امپراطوری فریب!

با اعلام حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱، امپراطوری فریب برای آنکه نشان دهد در فکر کارگران است چاره را در تبلیغات کرکننده دیده و اعلام می‌کند ۵۷ درصد به حقوق کارگران اضافه گشته است. حداقل حقوق در حالی با تبلیغات زیاد ۵۷ درصد اضافه شده است که فقط تورم از ۲۰۰ درصد فراتر رفته و این تنها گفته ما نیست بلکه اقتصاد دانانی همچون دکتر راغفر استاد دانشگاه الزهرا بارها آن را گفته است.

تصویب کنندگان چه کارفرمایی و چه کارگری که خود را به فراموشی زده اند در ماه گذشته سبد معیشت را ۹ میلیون اعلام کرده بودند و حالا کارگران را محکوم کرده اند که سبد معیشت خود را به نصف این مبلغ برسانند، یعنی گوشت نخورند، لبنیات استفاده نکنند، مریض شدند بمیرند، حمام نروند و بهداشت خود را که نشانه ای از ایمان است فراموش کنند.

در روز گذشته کارگران سایپا به دلیل وضعیت نامناسب معیشتی خود دست به اعتصاب زدند. چگونه وزارت نشینان کارفرمایی و دولتی و کارگری صدای اینان را نشنیدند؟ کیست که نداند حداقل حقوق تنها در کارخانه های بزرگ قابل اجراء است و در میان ۶۵ درصد زحمتکشان محلی برای اجرا ندارد و بازرسی وزارت کار خود را به نفهمیدن زده است تا اجحاف به زحمتکشان مضاعف شود. بماند که کارگرانی هستند که با ۱۲ ساعت کار حتا حداقل حقوق را به شکرانه بازرسی نکردن وزارت کار را هم نمی‌گیرند. نمونه اش کارگران بیمارستان مدنی در کرج.

تخم مرغ با گران شدن خود دهن کجی سختی به وزیرکاری که مدعی است ۵۷ درصد به حقوق کارگر اضافه کرده است می‌کند. قیمت هر شانه تخم مرغ در مغازه‌های سطح شهر بین ۵۳ تا ۵۵ هزار تومان و نرخ هر عدد تخم مرغ بین ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان است. یعنی فقط هر دانه تخم مرغ ۱۰۰ درصد گران شده است.

سالهاست می‌گوییم افزایش حقوق پیشکشان ما افزایش قدرت خرید می‌خواهیم. آیا عرضه دارید تورم را مهار کرده و قیمت اجناس را ثابت نگه دارید؟؟ اجاره بها، همه این حداقل حقوق را خواهد بلعید. آیا وزیر خبر از اجاره بها ندارد؟ آیا خبر از گرانی‌های روزافزون مایحتاج مردم ندارد؟ البته که ندارد چون نوکر و کلفت هایشان به آنان نمی‌گویند و برایشان هم اهمیتی ندارد؟ آیا وزیرکار و کارفرمایان مصوب این حداقل حقوق، خرج ماهانه زندگی خود را شفاف سازی می‌کنند تا معلوم شود فاصله حداقل حقوق زحمتکشان با خرج زندگی این آقایان چقدر است؟

این تحقیر طبقه کارگر بی‌جواب نخواهد ماند و به همین زودی کارفرمایان و وزیرکار پاسخش را خواهند گرفت.



سندیکای کارگران فلزکار مکتبک ایران

۱۹ اسفند ۱۴۰۰

تحت فشار گذاشتن وثیقه گذار، انسانی نیست!



منوچهر سراج از فعالین خوش نام سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران که در فیروزکوه فعالیت دارد و برای کارگران و مردم محروم شهر حامی بی نظیر است، به حکم شعبه ۱ اجرای احکام دادسرای انقلاب ناحیه ۳۳ وثیقه گذارش را ۳۰ روز مهلت داده اند تا منوچهر را تسلیم زندان کند.

منوچهر سراج در ۲۲ آبان ۱۳۹۹ با گذاشتن وثیقه ای ۵۰۰ میلیونی از زندان اوین آزاد شد. هرچند این آزادی خوشحال مان کرد اما وثیقه گرفتن از کارگری که هیچ در بساط ندارد کاممان را تلخ تر از همیشه نمود. گرفتن وثیقه از بی گنا‌هانی چون سراج در حقیقت محدودتر کردن اینگونه فعالان از وظایف اجتماعی خود است. چرا که وثیقه گذار که خود نیز اندوخته ای به جز این ملک ندارد حالا در معرض فشارهای گوناگون قرار خواهد گرفت. با گرفتن وثیقه دو نفر محدود می شوند.

ما ضمن محکوم کردن این عمل غیرانسانی و حمایت بی دریغ از منوچهر سراج و وثیقه گذارش، همچنان خواهان آزادی همه کنشگران صنفی از اسماعیل عبدی تا شاپور احسانی راد و عالییه اقدام دوست هستیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۷ اسفند ۱۴۰۰

پرچم حق خواهی ۸ مارس همچنان در اهتزاز است!



روز جهانی زن را در حالی برگزار می کنیم که همچنان شعارهای این روز در صدر خواسته های زنان به ویژه زنان کارگر، می باشد.

وضعیت زنان نه تنها در کشور بلا دیده ما بلکه در سراسر جهان رضایت بخش نیست. ۳ تن از دستداران طبقه کارگر، عالیه اقدام دوست از همکاران سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران که در میان کارگران پروژه ای فعالیت می کرد به دلیل نامعلومی در زندان است و حقوق قانونی اش در سن ۷۶ سالگی همچنان نقض می شود. سپیده قلیان دختر شجاع زحمتکشان خوزستانی و زنان زندانی با آنکه مبتلا به کرونا شده است، در زندان و در شرایط نامطلوبی بسر برده و از دادن مرخصی به او امتناع می شود. وکیل قهرمان فرزانه زیلابی به دلیل حمایت بی دریغ از زحمتکشان هفت تپه و وکالت رایگان این عزیزان با ممنوعیت کار روبرو گشته است. زنان فعال باننشستگان تامین اجتماعی برای حق خواهی در سراسر کشور مورد تهدید پلیس سیاسی قرار می گیرند. حداقل مزد سالیانه کارگران بازیچه مشتی نادان قرار گرفته و قرار است «منطقه ای» شده و بی تردید «جنسیتی» نیز خواهد شد.

با شیوع کرونا زنان اولین زحمتکشانی بودند که کارشان را از دست دادند و به ارتش بیکاران پیوستند. کافی است در مترو حضور داشت تا زنان و دختران

جوان دستفروشی که با چمدانی در دست را مشاهده کرد، زنانی که هر دم مورد هجوم و توهین پلیس مترو قرار می‌گیرند. پرستاران این مدافعین با شهادت سلامت کشور دستمزدهایشان ماهها عقب می‌افتد و گوش شنوایی برای این نقض فاحش قانون کار در کشور پیدا نمی‌شود. در کارخانه‌ها و کارگاهها کمترین حقوق زنان که داشتن سرویس بهداشتی مجزا و رختکن می‌باشد رعایت نمی‌گردد چه برسد به رعایت مزد برابر.

با همه این مطالب که برخاسته از سیستم ضد بشری سرمایه داری و نئولیبرالیسم است، باز هم مبارزه برای بهبود وضعیت زنان ادامه دارد.

این روز را گرامی می‌داریم و برای مادران، همسران، خواهران، دختران مان آرزوی سعادت و بهروزی را در این پیکار نابرابر آرزومندیم و همگام آنان می‌رزمیم تا جهانی بهتر را به ارمغان بیاوریم، جهانی غیر طبقاتی و برابر به همراه صلحی پایدار در همه جهان.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی

بازنشستگان فلزکارمکانیک

بازنشستگان صنعت چاپ

بازنشستگان شهاب خودرو

بازنشستگان مستقل قزوین

نان، همبستگی، پیروزی!

اعتراضات سراسری به حق بازنشستگان تامین اجتماعی در یکشنبه های اعتراض، تجمعات سراسری آموزگاران، کارگرانی که حقوق های عقب افتاده دارند، خشم کارگران معادنی که از کار بیکار شده اند و جمع شدن های مرتب مردمی که از قمارخانه بورس ضربه دیده اند فقط یک پیام دارد: «نان مان را ربنوده اند»

پلیس سیاسی و دولت برای این اعتراضات به حق جز دستگیری، تهدید تلفنی، احضار های مرتب کنشگران و پرونده سازی هیچ پاسخی نداشته اند. غارت منابع تامین اجتماعی و صندوق های بازنشستگی که از اوایل دهه ۸۰ رقم خورد و پیوسته ادامه دارد و مدیران بی خاصیتی که جز بله قربان گویی و گرفتن حقوق های نجومی عرضه دیگری ندارند، بختکی هستند که دولت ها آنان را به ما تحمیل کرده اند.

دوستان کنشگر، باید از همه شیوه های اعتراضی برای دست یافتن به حق مان استفاده کنیم. باید به میان بازنشستگان رفته آنان را با خود همراه کنیم. هر جا بازنشسته ای هست ما نیز باید در آنجا حضور داشته و آگاه کنیم و متحد شویم.

در هر یکشنبه اعتراضی شرکت کنیم، از آموزگاران مان حمایت کنیم و اتحاد را در میدان به نمایش بگذاریم.

چاره کار «نان، همبستگی، پیروزی» اتحاد در میدان است.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی / بازنشستگان فلزکار مکانیک /
 بازنشستگان مستقل قزوین / بازنشستگان شهاب خودرو /
 بازنشستگان صنعت چاپ ۳ اسفند ۱۴۰۰

خط فقر و تعیین سبب معیشت!

اولین خروجی شورای عالی کار در روز ۱۶ بهمن ماه تعیین سبب معیشت با رقم تعجب آور ۸ میلیون و ۹۷۹ هزار تومان شد. اینکه اینگونه نرخ گذاری چقدر با موضوع بند دوم ماده ۴۱ قانون کار همخوانی دارد را به تعیین کنندگان کارگری این شورا وا می گذاریم. تعیین افزایش قیمت ۳۰ درصدی خوراکی ها در این مصوبه به خنده آور ترین بخش این مصوبه تبدیل شده است.

روی سخن ما با کارگرانی که در شورای عالی به عنوان نماینده کارگر نشسته اند بوده و با کارفرمایی که حتما حق نان خالی را هم برای زحمتکشان روا نمی دارند، نیست. آقایان آیا شما برای خانواده تان شیر نمی خرید؟؟ آیا نمی دانید از سال گذشته تاکنون شیر و لبنیات چه میزان گران شده است؟؟ اگر از کارفرمایان روبروی تان در شورای عالی کار می پرسیدید حداقل در تعیین این قلم این چنین حقوق کارگران را ضایع نمی کردید.

متأسفانه سالهاست نمایندگان کارگری در این شورا برای آنکه فشار کمتری را بر روی کارفرمایان بیاورند با ترس در مقابل آنان نشسته و با زندگی بیش از ۴۰ میلیون کارگر بازی می کنند. شاهد این سخن هم امضایی است که کارفرمایان بر زیر آن زده اند.

خط فقر از مرز ۱۵ میلیون تومان هم گذشته است، این را ما نمی گوئیم بلکه دکتر راغفر و دکتر فرشاد مومنی استادان دانشگاههای این کشور می گویند. شما خط فلاکت را با خط فقر اشتباه گرفته اید. به هر حال آنچه شما مصوب می کنید در تاریخ و در ذهن کارگران می ماند و فردا باید به فرزندانان پاسخگو باشید که آنچه شما مصوب کرده اید خدمت بوده یا خیانت.

نشستن بر روی صندلی ای که جایگاه انسانهای وظیفه شناس است و باید از معیشت ۴۰ میلیون نفر دفاع کند، با اینگونه مصوبات به صورت کاریکاتوری درآمد که کارفرمایان هم از آن دفاع می کنند!!!

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن محکوم کردن اینگونه مصوبات که مغایرت کامل با اوضاع جامعه دارد، خاطرنشان می کند که تاریخ، تصویب کنندگان اینگونه مصوبات از هم اکنون نخواهد بخشید.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۲ بهمن ۱۴۰۰

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- ذوب آهن و مشکلات کارگران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگرانی که جدیدن به استخدام ذوب آهن در آمده اند هنوز عضو تعاونی مسکن نشده اند و عضویت آنها در هاله ای از ابهام قرار دارد. همچنین شرکت تعاونی مصرف نیز هنوز به آنان سهام نداده و این کارگران نمی توانند از امکانات تعاونی مصرف برخوردار باشند. این در حالی است که تنوع کالاها اصلن مورد رضایت کارگران در تعاونی مصرف نبوده و کیفیت کالاها نیز بسیار پایین است که مورد اعتراض اعضای تعاونی مصرف گشته است. کارگران طی نامه ای از مدیریت تعاونی مصرف خواستار افزایش فروشگاههای طرف قرارداد با تعاونی مصرف شده اند. به نظر کارشناسان سندیکایی مستقر در ذوب آهن، اگر مدیریت تعاونی مصرف کمتر به فکر سود ورزی و انداختن وظایف خود به دوش فروشگاههای دیگر نباشد می تواند همین کالاها را در تعاونی مصرف عرضه کرده و نیازی به فروشگاههای طرف قرارداد نیست. در ضمن قرارداد با فروشگاههای غیر،

توسط مدیریت شرکت تعاونی موضوع رشوه‌گیری هنگام بستن قرارداد با این فروشگاهها و گرانفروشی این فروشگاهها به اعضای تعاونی، در ذهن‌ها نقش می‌بندد.

۲- تاثیر اخبار پیام سندیکا در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به انعکاس خبر قطع سهمیه شیر در مهرماه سال ۱۳۹۸ از سوی مدیریت ذوب آهن توسط خبرنگاران سندیکایی مستقر در ذوب آهن، با خبر شدیم مدیریت سهمیه شیر را برای کلیه کارکنان اداری و غیر اداری در طول ایام هفته اختصاص داده است. در آن تاریخ نوشتیم که: «مدیریت ذوب آهن معتقد است شیر باید به کسانی داده شود که:» بر اساس شاخص های بیماری زایی افراد و براساس لیست ارائه شده توسط مدیریت سازماندهی می شود «. خاصیت دادن شیر به همه کارکنان ذوب آهن برای پیشگیری از آلودگی های ناشی از بخارات و هوای مسموم بوده است نه بر اساس سلیقه و یا بیماری زایی. شیر نیز مانند کفش کار و یا لباس کار، یکی از بخش های کوچک دستمزد است که باید توسط کارفرمایان رعایت گردد.» امروز خوشحالیم که با تلاش های کارگران و سندیکای فلزکارمکانیک این امر قانونی دوباره برقرار گشته است.

۳- بیمه های تکمیلی برای جان کارگران در همه جا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران ذوب آهنی از بیمه تکمیلی دانا راضی نیستند و به بلای جانیشان تبدیل شده است. این بیمه تکمیلی در بزرگترین بیمارستانی که کارگران و کارکنان ذوب آهنی به آن مراجعه می کنند تعرفه دندانپزشکی را رعایت نکرده هزینه های گزافی از بیماران می گیرد و متاسفانه مدیران ذوب آهنی نیز چشم بر روی این تخلفات بسته اند. در شهر چادگان که ۸۰ درصد مردم عضوی از ذوب آهن به شمار می روند داروخانه ها، دندانپزشکی ها، کلینیک ها، قراردادی با بیمه دانا نداشته و کارگران و خانواده هایشان در هنگام بیماری روزگاری سخت را می گذرانند. متاسفانه مدیریت بی در و پیکر ذوب آهن به این موضوع حتما با اعتراضات کارگران ورود نمی کند. مافیای خصوصی سازی به ویژه در امر درمان و لغت و لیس ها در بیمه های تکمیلی آنقدر عریان شده است که هر نوزادی به آن اذعان دارد جز مدیران کشوری و مسوولین قرارداد با اینگونه بیمه ها.

۴- مدیریت ذوب آهن و اطلاع رسانی به کارگران!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، بسیاری از کارکنان و کارگران نمی دانند که آیا شغلشان سخت و زیان آور می باشد یا نه؟ متاسفانه مدیریت در این امر کوتاهی می کند و اطلاع رسانی لازم را انجام نمی دهد و کارگران و متخصصین با آنکه بارها از مدیریت خواسته

اند تا نیست کارهای سخت و زیان آور را اعلام کند با سکوت مواجه شده اند. از طرفی با توجه به حوادث امسال کارگران خواهان مصاحبه با افراد حادثه دیده در کارخانه بوده تا تجربه دیگر کارگران در مواجهه با حوادث بیشتر شود. شوربختانه مدیریت از گذاشتن این گونه جلسات ظفره رفته و بی تردید باز هم حوادث ناگوار اتفاق خواهد افتاد.

از حرف تا عمل!



۱- به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پنجمین هم اندیشی معاون و مدیران منابع انسانی ایران خودرو سرپرست معاونت توسعه منابع انسانی اعلام کرد: «عدالت محوری و رفع دغدغه های کارکنان اولویت اصلی در خدمات منابع انسانی است» یکی از دغدغه های مهم کارگران و کارکنان ایران خودرو موضوع سخت و زیان آور بودن شغلشان است که توسط همین منابع انسانی نادیده گرفته می شود و بسیاری از کارگران با فرسوده شدن جانشان سلامتی شان هم به خطر افتاده است. در بهمن ماه کارگران از منابع انسانی خواستند پاسخگو باشد که چرا فقط ۴ شرکت پیمانکاری سخت و زیان آور بودن کارشان تایید شده است و دیگر پیمانکاران نور چشمی از این امر مستثنا شده اند. عدالت کلمه و عملی است که در ایران خودرو یافت نمی شود.

۲- مدیریت بی خاصیت ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدتهاست در خطوط تولید عینک های ایمنی که فاقد کیفیت بوده و بسیار شکننده هستند توزیع شده که جز آسیب به چشمان کارگران، استفاده دیگری نداشته است. حتا مدیران نیز در مقابل اعتراض کارگران تایید کرده اند که این عینک ها

فاقد استاندارد بوده و به درد کار نمی خورند. مدیرعامل بی خاصیت ایران خودرو نباید به دنبال این باشد که این عینک ها را چه کسانی خریده و به کارخانه تحمیل کرده اند؟؟ ایا زیر کاسه نیم کاسه ای هست؟

۳- تا کی فشار را تحمل کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اعتراضات کارگران ایران خودرویی به فشار کار تحمیل شده بواسطه بازنشستگی کارگران هنوز توسط مدیریت جواب داده نشده است. طبق اطلاع بخش اداری ایران خودرو در دو نوبت در بهمن ۱۵۰ کارگر و اوایل اسفند ۱۸۰ کارگر بازنشسته شده اند که کار این افراد بر دوش شاغلین افتاده است. اگر در هر ماه فقط ۱۰۰ نفر بازنشسته شده باشند در طی امسال بیش از ۱۰۰۰ نفر بازنشسته شده اند و جذب نیرویی هم اتفاق نیفتاده است. فشار کاری باعث فرسودگی زود هنگام کارگر شده و آسیب های جسمی و روانی متعددی را به کارگران می زند. اکثر کارگران ایران خودرویی پس از بازنشستگی مبتلا به بیماری افسردگی می شوند.

گزارش هایی از پروژه های نفت و گاز!



۱- تجمع کارگران بندر صادراتی مجیدیه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارفرمای بندر صادراتی مجیدیه برای استخدام کارگر ارزانتر دست به اخراج کارگران بومی زده است. این کارگران که هنوز دستمزدهای عقب افتاده خود را دریافت نکرده اند در معرض اخراج نیز قرار گرفته اند. کارگران پروژه ای

عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در خوزستان ضمن محکوم کردن این عمل زشت کارفرما خواهان بازگشت بکار و پرداخت حقوق این کارگران می باشد.

۲- اعتصاب کارگران اورهال بندر امام ماهشهر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۳ بهمن ۲۰۰ کارگر اورهال بندرامام ماهشهر پس از بدقولی کارفرما در خصوص حقوق های غیر کمپین ۱۰/۲۰ دست به اعتصاب زدند. کارفرما روز اول به کارگران فیلتر کار دستمزد ۸۰۰ هزار تومان را اعلام کرده بود ولی پس از سه روز به کارگران گفته بیشتر از روزی ۵۰۰ تومان دستمزد نخواهد داد. از همه کارگران پروژه ای بیکار می خواهیم که برای کار به این مجموعه فعّلن نروند تا برادرانمان بتوانند به خواسته های خود برسند. پیروزی با ماست اگر با هم باشیم

کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در خوزستان

۳- برای شرکت کیسون نابکار و آذرکمان پلید کار نکنیم!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، به تازگی آگهی از سوی شرکت کیسون به پیمانکاری آذرکمان برای کار در مخازن ذخیره جاسک پخش شده است که فردی به نام مهدی حسینی آن را مرتب آگهی می کند. به اطلاع دوستان پروژه ای می رسانیم طبق خبرهایی که به دست ما رسیده است کارگرانی که از مهرماه در این پروژه استخدام شده اند هنوز حقوق های خود را دریافت نکرده و حقوق های اعلامی این شرکت برای کارگران جوشکار با مبالغ بالا

ترفندی برای به سرکار کشاندن کارگران است. به اطلاع برادران جوشکار خود می‌رسانیم که شرکت کیسون و پیمانکار آذرکمان چند سالی است که تحریم نیرو هستند و از کارگران می‌خواهیم برای کار به این شرکت بدحساب و پیمانکار بدقولش نروند که هیچ امکانات رفاهی هم برای کارگران در نظر نگرفته‌اند.

کارگران پروژه ی عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در خوزستان

۴- پرچم کمپین ۱۰/۲۰ همچنان در اهتزاز است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز یکشنبه ۲۴ بهمن‌ماه کارگران داربست‌بند و مونتاژکار پتروشیمی کیان به دلیل عقب افتادن حقوق هایشان از صبح دست به اعتصاب زدند. این کارگران در عملویه به پیمانکاری فردی به نام کیوانی که زیر نظر شرکت ماشین سازی اراک هستند، کار می‌کنند. کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در خوزستان ضمن حمایت از خواسته های برادران خود از کارگران می‌خواهد تا وصول خواسته ها دست از اعتصاب نکشند. یکی از اصول کمپین ۱۰/۲۰ عقب نیفتادن دستمزدها و رعایت قوانین کمپین بود.

۵- اعتصاب در استیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از دیروز ۲۶ بهمن بیش از یکصد نفر از کارگران شرکتی استیم در اعتراض به تاخیر حقوق ها در خوابگاه بودند. فورمن ها، افسران ایمنی، اعضای دفتر فنی، راننده ها، کارکنان مالی همگی دست به اعتصاب زدند. معاون شرکت به میان کارگران آمده و جویای علت اعتصاب شد که کارگران گفتند: «هنوز حقوق آذرماه را نگرفته ایم» با این اعتصاب امروز باقی مانده حقوق آذرماه پرداخت شد اما کارگران خواستار حقوق دیماه و بهمن خود هستند و هنوز در خوابگاه به اعتصاب نشسته‌اند. البته شرکت به کارگران اعلام کرده که فردا باید به سرکار بیایند. کارگران گفته‌اند: «طبق مقررات کمپین حقوق ها باید سر ماه پرداخت شود و تا حقوق دیماه و بهمن واریز نشود به سرکار نخواهیم رفت»

۶- وضعیت در شرکت آر مه تاب گسترش افتضاح است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت آر مه تاب گسترش واقع در آزادگان جنوبی برای حتما کادر مهندسی خود نیز ارزش قایل نیست و شرایط کاری در آنجا افتضاح است. کارشناس کیوسی با ۶ میلیون و سرپرستش ۸ میلیون دستمزد می‌گیرند. امکانات زیرصفر. آب معدنی نمی‌دهد به جایش با تانکر آب میاورند. قند، چایی، لیوان، چایی ساز باید کارگر خودش

بخرد. میز و صندلی وجود ندارد و فقط میزی دارند که رویش یک کامپیوتر و یک پرینتر درج و داغون است و بقیه روی زمین می نشینند. ظهر، غذایی که حیوانات نمی خورند، خشک بدون میوه و ترشی و ماست، فقط غذا با یک نوشابه می دهند. از امکانات پتو و بالش و ملحفه در خوابگاه مهندسی خبری نیست. دمپایی، وسایل حمام، وسایل چای، و آب معدنی در این پروژه اصلاً معنی ندارد. هفته ای صد هزار تومان برای صبحانه و میوه می دهند. کفش و لباس کار در کار نیست. مسوولین اداری و انبار و مالی شرکت، ماشینهای خودشان را در اختیار واحدها قرار داده و جالب اینکه به بهانه اینکه مجوز ورود ندارند ماشین داخل سایت نمی آوردند. یعنی عملن همه پیاده هستند. نفرات بومی با حقوق بخورونمیر کار می کنند. از همه سه برابر حقوق سفته میگیرند.

دوستان کارگر اگر کسی به نام رحیمی مهر زنگ زد برای این شرکت گولش را نخورید.

۷- پروژه ها و پیمانکاران دغلکار را بشناسیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، همانطوری که قبیلن هم گزارش کرده بودیم شرکت عمران رهگذر واقع در انبار نفت بین جاسک و میناب یا همان آقای آذرکمان که قبیلن از کیسون کار گرفته بود، وضعیت خوبی ندارد. کارگران گزارش می کنند که الکترودها افتضاح است و اصلن کیفیت ندارد و ناظر هم انتظار دارد مثل آرگون پاس ۱ بزنید. دوستان مطلع باشند که برای کار کجا می روند. همچنین آقای امینی پور پیمانکار ساخت مخازن قشم مخزن شماره هفت به کارفرمایی شرکت آسفالت توس حقوق کارگران را با تاخیر پرداخت می کند.

۸- خواسته های کمپین ۱۰/۲۰ باید انجام شود!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۳۰ بهمن کارگران شرکتی و پیمانکاری شرکت سکاف در پتروشیمی مهر کیمیا عسلویه از صبح ساعت ۱۰ به دلیل عقب افتادن حقوق هایشان از آذرماه تاکنون دست به اعتصاب زدند. پس از آنکه خبری از مدیریت نشد و به کارگران پاسخی ندادند کارگران به خوابگاههای خود رفته تا وصول مطالبات در اعتصاب خواهند بود. یکی از مقررات کمپین ۱۰/۲۰ عقب نیفتادن حقوق ها بود که متأسفانه از سوی کارفرمایان رعایت نمی شود و با اعتصاب پاسخ داده می شود.

کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در خوزستان از این اعتصاب حمایت کرده و پشتیبان برادران خود هستند.

۹- شرکت استیم هنوز حقوق ها را نپرداخته!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۳۰ بهمن معاون رییس کارگاه پنج صبح با مسوول قسمت ها جلسه گذاشت تا مشکل کارگران را حل کند. ایشان در جلسه گفت: «به خاطر پرداخت حقوق آرمه شما متریال نخریدیم تا حقوقتون بدیم. حقوق دیماه و بهمن را هم تا ۲۵ اسفند تسویه خواهیم کرد. قول می دهیم پول از چین آمد پنج شود که یک هفته یا دو هفته طول می کشد نگران نباشید. ۲۷ اسفند هم عیدی به شما میدیم. من طرفدار شما هستم دو روزی که خوابگاه بودین هم دستمزدتون رو میدم» کارگران با این قول به سرکار بازگشتند.

۱۰- اعتراض کارگران پروژه ای رامهرمز

نمایندگان کارگران پروژه ای در رامهرمز طی نامه ای به نماینده مجلس رامهرمز و رامشیر اعتراض خود را نسبت به عدم رسیدگی به وضعیت کارگران طی نامه ای اعلام داشتند. متن نامه که در دفتر این نماینده به شماره ۱۸۶۴ به تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱ ثبت گردیده است به شرح زیر می باشد:

بنام خدا

نماینده محترم مردم شریف رامهرمز و رامشیر در مجلس شورای اسلامی

جناب سرهنگ پاسدار حاج ابراهیم متینیان

با سلام و احترام، به عرض میرساند که در ادامه نامه نگاریهای متعدد گذشته کارگران رامهرمز شاغل در پروژه های زیر مجموعه وزارت نفت در خصوص پیگیری مشکلات قانونی نظیر امنیت شغلی، معیشت، رست، مطابقت لیست بیمه با عناوین شغلی، خوابگاه و غذای مناسب و..... به محضر حضرتعالی و در ادامه نامه نگاری دفتر شما(خود شما) با شماره های ۱۱۳۸۴۶ تا تاریخ ۳۰ شهریور ۱۴۰۰ و ۱۰۹۷۷ و تاریخ ۱۲ مهر ۱۴۰۰ به وزیر محترم نفت و معاون پارلمانی وزیر در مجلس، ضمن اینکه مشکلات فراوان کارگران شرکت پتروپالایش ابوالفارس به آن اضافه شد، تاکنون هیچ گونه تماس یا پاسخی از طرف دفاتر مقامات یادشده به نمایندگان کارگران گرفته یا داده نشد، لذا تقاضای پیگیری قانونی و پاسخگویی مسئولانه داریم.

مازیار گیلانی نژاد - ابراهیم شیخی - حسین جشن

۱۱- پیگیری ها مشکلات پروژه ها ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با ارسال نامه نمایندگان کارگران پروژه ای به آقای متینان نماینده مجلس رامهرمز و رامشیر ایشان نامه ای به معاون حقوقی و امور مجلس نفت ارسال کردند. متن نامه چنین است:

جناب آقای بازرگانی معاون حقوقی و امور مجلس وزارت نفت

با سلام، احتراماً به پیوست نامه نمایندگان (کارگران پروژه های صنایع نفت) در خصوص مشکلات معیشت، استراحت (رست)، امنیت شغلی و ... به حضورتان ارسال می گردد. لذا خواهشمند است حداکثر مساعدت و اقدامات لازم در این خصوص مبذول شود و ضمن اعلام نتیجه، اینجانب را نیز مطلع فرمایید.

ابراهیم متینان نماینده مردم شریف رامهرمز و رامشیر

رونوشت: جناب آقای دکتر حسوند رییس محترم کمیسیون انرژی جهت استحضار و اقدام لازم.

۱۲- اجحافات در پروژه ها را افشا کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا در شرکت فرایروساز به پیمانکاری عباس مزارعی که برای کارهای برق در این پروژه مشغول است به کارگران برقکارش بیمه رد نمی کند. اگر کارگری دوماه برایش کار کند فقط یک ماه آن را بیمه رد می کند. کارگران این پیمانکار همیشه حقوق عقب افتاده دارند. اضافه کاری برای کارگرانش منظور نمی کند و کارگر باید در روزهای بارانی هم سرکار برود وگرنه جریمه خواهد شد. در خوابگاهها وسایل گرمایشی وجود ندارد و همچنین از صبحانه هم خبری نیست.

چه کسانی نمی دانند حقوق ها عقب می افتد؟

با فراخوان داده شده در مورد حقوق های عقب مانده از سوی سندیکا به کارگران «درود بر دوستان، با توجه به سخنان آقای ریسی در مورد عقب نیفتادن حقوقها، اگر دوست پروژه ای در شرکتی کار می کند که حقوق عقب افتاده دارند هرچه زودتر به ما خبر داده تا از طریق وزارت کار و بازرسی شرکت نفت اقدام کنیم»

تاکنون این اطلاعات برای ما ارسال شده است:

در شرکت igc در دشت عباس NjL3100 حقوق ها از دیماه عقب افتاده است

پیمانکاران شرکت ODCC از جمله شرکت سکاف ، اکسیر صنعت، شرکت IGC، آبدراهان پارس در پروژه فاز ۲ پالایشگاه آبادان حقوق بهمین و عیدی و سنوات عقب افتاده و به گفته کارفرما بعد از عید پرداخت خواهد شد» یعنی ۲۰۰۰ کارگر بدون عیدی و سنوات و گرفتن دو ماه حقوق به خانه خواهند رفت

در پتروشیمی بوشهر هنوز حقوق برج ۱۰ پرداخت نشده است. شرکت استیم ، سازه پاد تهران، جهانپارس

کارگران(پیمانکاری) بخش خدمات بهداشت و درمان شهرستان رامهرمز از آذرماه حقوق و عیدی و پاداش سالانه تا این تاریخ پرداخت نشده است. حق بیمه تامین اجتماعی آنها هم از دیماه واریز نگردیده است. چه کسانی نمی دانند حقوق ها عقب می افتد؟

نقض قانون تا به کی؟؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، حقوق ناچیز کارگران(پیمانکاران) بخش خدمات بهداشت و درمان شهرستان رامهرمز از آذرماه ۱۴۰۰ عیدی و پاداش سالانه تا این تاریخ پرداخت نشده است. حق بیمه تامین اجتماعی آنها هم از دیماه واریز نگردیده است. با وجود ایزنی های نماینده مجلس با دانشگاه علوم پزشکی استان و مقامات مسئول هیچ نتیجه ای حاصل نشد. دانشگاه فقط می گوید فعلا پول نداریم.

آیا فرمایش جناب ریسی در ارتباط با عقب نیفتادن حقوق ها اجرایی خواهد شد؟ بی تردید این دستور هم روی زمین خواهد ماند.

طبق قانون کار دستمزدها روزانه یا هفتگی و یا ماهانه باید پرداخت شود. اما کارفرمایان بی شرف با ۴ ماه تاخیر باز هم مدعی هستند پول ندارند.

حادثه در صنایع فولاد اهواز!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۲۳ بهمن هنگام عصر مهندس مسلم نوش آبادی کارگر شیفت شرکت ملی صنایع فولاد اهواز لوله ۵۶ روی خط در حال حرکت چسباندن به یک جای ثابت بود که درگیر حادثه شده و فوت کرد.

این کارگران قربانی کثافت کاری مدیران و هیات مدیره ای هستند که توان تجهیز کارخانه را ندارند. کارخانه قدیمی، دستگاه‌ها کاملاً فرسوده، هزینه‌ها بالا که حتی قدرت خرید کوچکترین وسیله ایمنی را ندارند. ایمنی و شرایط ارگونومی بسیار ضعیف که باعث حادثه منجر به فوت، قطع عضو و تنش و استرس ناشی از فشار کاری بسیار زیاد می‌شود.

کارگران عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در خوزستان به خانواده این کارگر و همکارانش ابراز همدردی کرده و مقصر اصلی را مدیران کارخانه و بازرسی وزارت کار می‌داند.

کارخانه لوازم خانگی هیمالیا به کارگرنش ظلم می کند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارخانه لوازم خانگی هیمالیا واقع در اتوبان کرج قزوین با دارا بودن ۹۰۰ کارگر و فروش خوب محصولاتش، به کارگرنش ظلم می کند. با شروع اسفند ماه مطابق هر ساله همه شرکت های مجاور این کارخانه مبادرت به افزایش حقوق می کنند تا شب عیدی کارگران راضی تر به خانه بروند. کارخانه های مجاور این شرکت ۵۰۰ هزار تومان الی ۱ میلیون به دستمزد کارگرنشان اضافه کرده اند در حالی که مدیریت کارخانه هیمالیا با ناخن خشکی فقط ۱۸۰ هزار تومان برای کارگران در نظر گرفته است.

این شرکت با دادن یک عدد بن ورزشی به مبلغ ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون سر کارگران منت می گذارد، این در حالی است که منابع انسانی این کارخانه در کرج با یک فروشگاه خاص برای نقد شدن این بن ها قرارداد بسته است که ۹۰۰ کارگرش فقط می توانند از این فروشگاه خرید کنند. این فروشگاه هم با اطلاع از این موضوع اقلامش را سه برابر گرانتر با کارگران حساب می کند.

از طرفی هیچ فرقی بین کارگری که ۲۷ سال در این شرکت کار کرده با کارگر جدید وجود ندارد و اگر کارگری بخواهد از این کارخانه برود منابع انسانی برگه عدم نیاز به کارگر نمی دهد تا او مشمول بیمه بیکاری نشده و مجبور باشد در کارخانه کار کند.

از حقوق کارگران با ۶ میلیون تومان، ۵۷۰ هزار تومان مالیات کم می کنند که غیرقانونی است و این مبلغ به جیب کارخانه می رود. با این حساب هر ماهه این کارخانه بیش از ۵۰۰ میلیون فقط از جیب کارگران درآمدزایی می کند.

یکی از حقه بازی های این شرکت با نام اشتغالزایی انجام می شود، یعنی به ازای جذب هر یک کارگر از اداره کار ۱۰ میلیون وام ۴ درصد دریافت می کنند. سی کارگر جذب کرده ۳۰۰ میلیون وام می گیرند و تا کارشان راه افتاد کارگران را بیرون می کنند. متأسفانه نظارتی بر کار این کارخانه حقه باز نیست

کارگران در مجتمع مس سرچشمه و مطالبات ایشان در پایان سال ۱۴۰۰

مطابق گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه ، در پایان سال ۱۴۰۰ برخی از شرکت های زیر مجموعه ی مجتمع مس سرچشمه در پرداخت مطالبات نیروهای خود نا موفق اند:

_ شرکت پارسیان با وجود مشکلات مالی موجود در پروژه اش، مطالبات نفرات خود را تا پایان سال پرداخت نموده است.

_ شرکت فولمن در انتهای قرارداد خود، ضمن معوقه های پرداختی، نسبت به بیمه ی نفرات خود اقدام نمی نماید و مطالبات پیمانکاران دست دوم این مجموعه نیز به اندازه ی یک سال در تاخیر است.

_ شرکت متبا نیز مطالبات پرسنلی خود را به روز رسانی کرده است.

_ شرکت داریان پیمانکار فلوتاسیون سرباره از دیماه نسبت به پرداخت حقوق نفرات خود اقدام ننموده و مطالبات پایان سال نفرات نیز پرداخت نشده اند و این شرکت در پرداخت حق بیمه ی پرسنل نیز تاخیر دارد.

_ شرکت مبینا حقوق دیماه و عیدی پرسنل را پرداخت نموده و موفق به پرداخت حقوق بهمن ماه نشده است.

_ شرکت جهان پارس هم به همین ترتیب، حقوق بهمن و اسفند نفرات خود را پرداخت ننموده و وعده هایی برای پرداخت حقوق بهمن داده است.

گزارشگر پیام سندیکا- مجتمع مس سرچشمه

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



۱- ناکارآمدی مدیریت شرکت واحد در پرداخت عیدی رانندگان و کارگران شرکت واحد

با وجود اینکه کمتر از دو هفته به پایان سال باقی است، متأسفانه رانندگان و کارگران شرکت واحد تا کنون عیدی خودشان را دریافت نکرده اند. از آنجایی که کارگران همه ساله برای خرید و مایحتاج شب عید بر روی دریافت عیدی برنامه ریزی کرده اند و با توجه به تقاضای خرید کالا از سوی حقوق بگیران در آخرین ماه از سال، دیر کرد در پرداخت عیدی میتواند مشکلاتی برای خانواده های این زحمت کشان بوجود بیاورد، که باعث هزینه های اضافی برای این عزیزان میشود. در روزهای گذشته رانندگان چه از طریق تلفن و چه حضوری پیگیری هایی برای عدم پرداخت عیدی کرده اند که مسئولان و مدیران اظهارداشته اند که به ما ارتباطی ندارد و چون شما زیرمجموعه شهرداری هستید هر زمان شهرداری پرداخت کند ما به حساب شما واریز خواهیم کرد و این اظهارات مدیران درحالی است که تبعیضات زیادی در دریافت حقوق و عیدی و پاداش و حق مسکن و هزینه های بهداشت و درمان ما بین پرسنل شهرداری و شرکت واحد وجود دارد که رانندگان و کارگران شرکت واحد از اکثر امکانات شهرداری بی بهره هستند و فقط در مواقع مشکلات و کمیوندها کارگران و رانندگان شرکت واحد را از زیر مجموعه شهرداری به حساب میآورند. سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام میدارد در صورت عدم پرداخت عیدی در دو روز آینده رانندگان دست به اعتراض خواهند زد.

۲- اتوبوسهایی که به دلیل ناکارآمدی مدیریت شرکت واحد در تعمیرشان در توقفگاه متوقف هستند

گزارش رسیده به سندیکا از کارگران سامانه ۴ بی آر تی:

سلام دوستان، این اتوبوسهای خط ۷ سامانه ۴ هستند که به علت تصادف با سواریهای که وارد خط ویژه شدند، سرسپر راست همگی شکستهاند و شرکت خسارت سرسپر را از

طرف مقصر گرفته ولی سرسپر خریداری نکرده، این اتوبوس‌ها که تعدادشان حدود ده تا هستند جز سالم‌ترین اتوبوس‌های خط ۷ از نظر فنی هستند که متأسفانه مدت‌هاست خوابیده‌اند و رانندگان اصلی‌شان با اتوبوس‌های فرسوده کار می‌کنند، ضمناً به تعداد اتوبوس‌ها هم بخاطر نداشتن یک خمره‌ای یا شیلنگ نیم متری آکاردونی که خیلی جزیی هستند متوقف شده‌اند.



۳- شورای اسلامی کار فرمایشی شرکت واحد به رغم صدور اطلاعیه مبنی بر عدم شرکت در جلسات کمیته انضباط کار، با حضور در جلسات کمیته در کنار مدیریت ایستاد

با توجه به اینکه در روزهای گذشته بسیاری از کارگران به دلیل شرکت در تجمع و اعتراض روشن کردن چراغ اتوبوس در طی روز، به کمیته انضباط کار احضار شده‌اند، شورای اسلامی کار فرمایشی با صدور اطلاعیه‌ای عنوان کرد در جلسات کمیته انضباط کار شرکت نخواهد کرد. اما با تشکیل جلسات کمیته انضباط کار مشاهده شد که اعضای شورای اسلامی کار فرمایشی در جلسات کمیته انضباط کار حضور دارند و در خدمت پیشبرد سرکوب اعتراضات کارگران هستند. بنابر گزارشات رسیده، کارگرانی که به جلسات کمیته انضباط کار احضار شده بودند، بسیار قوی از خواسته‌های به حق کارگران دفاع کرده‌اند و بر تحقق خواسته‌ها تاکید کرده‌اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با تاکید مجدد بر حمایت از اعتراضات کارگران برای اجرای بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل و دریافت سایر مطالبات، اقدامات شورای اسلامی کار فرمایشی در پیشبرد سرکوب کارگران توسط مدیریت شرکت واحد و حراست را محکوم می‌کند.

آیا کمپین کارگری ۱۴۰۱ برقرار خواهد بود؟...

بارها کارگران از خودشان و همچنین پویشگران کارگری پرسیده اند که آیا کمپین کارگری سال ۱۴۰۱ همانند سال های گذشته برقرار و باشکوه خواهد بود و آیا ما همچنان با نگاه به تورم افسارگسیخته و بدون مرزی که فرمانروایان به بهانه های واهی بر ما وارد آورده و می آورند؛ در این میان رسالت ما در برابر چپاول دسترنج هایمان چه می تواند باشد؟...

در پاسخ به این پرسش در ساده ترین رویدادی که می تواند پدید آید می گوئیم که کارگران خودشان چشم هایشان بینا هستند و می بینند که در برآورده نمودن بدیهی ترین نیازهای زندگی خود وامانده اند و با نگرش به اینکه همیشه و هر روز درگیر کار هستند خود را درمانده می بینند و سرگردانی آنها و خودخوری هایشان تا بدانجا رسیده است که تنها راه رهایی از پستی های این زندگی نکبت و پست و بی ارزش که آنها به چالش می کشد و در برابر خانواده هایشان سرافکننده گشته اند دست به پرخاش و خشم و دشنام بر زمین و زمان زده اند و چه بسا به دنبال این نگرانی ها و فشارهای پر از اندوه دست به آزار خود و نزدیکانشان بزنند تا خشم فروخورده و آرزوهای بر باد رفته شان را به گونه ای فرو نشانند و چه بسا این درگیری های دامنه دار هم خود کارگران و هم خانواده های آنان را دچار اندوه بی پایان و پشیمانی و سر در گمی کند. چه بسا دیده شده است که بمباران ناکامی های زندگی آنها را در چنبره ترس از آینده ای خواهد برد که مرگ و نابودی از بدیهی ترین پیامدهای آن است... از همین روی خانواده های کارگران بیشترین آمارهای خودکشی را از آن خود نموده اند و تاکنون هیچ کدام از برنامه های کارفرمایان برای پرداختن به بهتر شدن زندگی کارگران و پیشگیری از پدیده شوم خودکشی کارساز نبوده است. آنان هیچگاه خود را پاسخگوی اینهمه نابسامانی ها نمی دانند و هر روز با ترفندهای ویژه و نابجای خودشان، فشارها را به هر گونه ای که بخواهند بیشتر می نمایند تا کارگران و خانواده های آنان را به بردگی بیشتری بکشانند.

در این هنگامه های فشار و تنگدستی که از سوی فرمانروایان انجام می گیرد و گستاخی هایشان مرز ندارد کارگران را به سوی یکپارچگی و یکی شدن می برد تا در برابر تاخت و تاز سهمگین خود و خانواده هایشان از سوی کارفرمایان بایستند و نگذارند نان و جانشان لگدمال سودجویی های مُشتی نابکار دُزد قرار گیرد و آنان در برابر هر گونه زیاده خواهی و زیاده روی ها ناچار از دادخواهی و اعتصاب خواهند بود...

و ارتان خرمدین... سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

عیدی حقیرانه برای همه!

ریاست محترم سازمان تامین اجتماعی

با توجه به تصویب و پرداخت عیدی حقیرانه یک میلیون ششصد هزار تومان برای بازنشستگان تامین اجتماعی، ما امضاء کنندگان زیر، دریافت این مبلغ را به عنوان عیدی و پاداش آخر سال وزیران، معاون های وزرا، نمایندگان مجلس، مدیران شستا و کل مدیران تامین اجتماعی خواهانیم. در ضمن از همه این افراد می خواهیم مبلغ عیدی و پاداش سالیانه خود را شفاف سازی نمایند تا معلوم شود چه فرقی مابین شما و ما امضاء کنندگان زیر می باشد. فراموش نکنید بازنشستگان علاوه بر معیشت خواهان منزلت نیز می باشند.

رونوشت: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی/ کانون عالی کارگران بازنشسته کشور/ خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با ۱۱۰ امضا



ما چه می خواستیم! (۱)

زحمتکشان و انقلاب بهمن – مازیار گیلانی نژاد



با پیروزی انقلاب ضداستبدادی و ضدامپریالیستی بهمن ۵۷ که کارگران به رهبری سندیکاهای مختلف و به ویژه سندیکای کارگران شرکت نفت توانستند با بستن شیرهای نفت مهر و نشان خود را بر خواسته های انقلاب بزنند و پس از این رخداد به دنبال اجرا کردن خواسته های خود باشند. آنچه رخ داد درخشان بود. از همان خیزش مردم، سندیکاهای کارگری توانستند با درک سمت و سوی اعتراضات به آن پیوسته و در روزهای پس از پیروزی انقلاب بهمن با انتخاب رهبران واقعی، سندیکاها را همچنان پیشتاز جنبش کارگری قرار دهند. کمیته های اعتصاب در کارخانه ها و ادارات زمام امور را در دست گیرند و شوراهای اعتصاب که بیرون آمده از دل اعتصاب ها بودند در کنار سندیکاهایی همچون ذوب آهن و مجموعه عظیم نفت و گاز و ایران ناسیونال (ایران خودرو)، کفش ملی ... توانستند مدیریت کارخانه ها را به عهده گرفته به بهترین وجهی مدیریت کارگری را به عرصه مدیریتی جامعه معرفی کنند. تولید افزایش یافت، کیفیت کالاها بالا رفت، دستمزدها افزایش و به موقع پرداخت می شد، بیمه همه کارگران بر طبق شغل و دریافتی شان به تامین اجتماعی ارسال و پرداخت می شد. افزایش دستمزدها باعث شد کارگران از اضافه کاری خودداری کرده و ساعات اضافه را کارگران بیکار تازه استخدام شده به عهده بگیرند و بیکاری کاهش یابد. کارگران هم به جای ساعات اضافه کاری که دیگر کار نمی کردند برای ارتقا شعور و آگاهی سیاسی شان با شرکت فعال در سندیکاها و شوراهای کارگری و احزاب و سازمان های سیاسی مورد علاقه شان، اختصاص داده و بازوی قدرتمندی برای تغییرات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی باشند.

مدیریت کارگری دزدی، اختلاس، حقوق های نجومی، برکناری مدیران بی خاصیتی که ساواک گمارده بود را کنار زده و به سالم سازی محیط کاری همت کردند. قطع درآمدهایی که در صنایع بزرگ به جیب عوامل ساواک و دربار اختصاص داشت به این سالم سازی کمک شایانی کرد و به سر سفره

کارگران و مردم آمد. از همه مهمتر کارگران توانستند در کارخانه های بزرگی چون ذوب آهن، خودروسازی ها، صنایع نفت و گاز دست به تعمیرات اساسی بزنند که هر ساله توسط تکنسین های خارجی صورت می گرفت. کارگران با ابتکار خود بسیاری از قطعاتی را که از خارج توسط دلانان دریاری و ساواکی به کشور وارد می شد را بسازند و ارزهای پرارزش در کشور باقی بماند تا به مصرف آبادانی ایران برسد. دست واسطه ها کوتاه شد و استقلال اقتصادی و صنعتی را تا حدودی رقم خورد.

اما تلاش بزرگتر برای تدوین قانون کار صورت گرفت. در این قانون می بایست اخراج کارگران از دست کارفرمایان خارج شده و فقط با صلاحدید شورای کارگری کارخانه و سندیکاها، انجام پذیر شود.

اوج این مبارزه مخالفت سازماندهی شده سندیکاها و شوراهای کارگری با پیش نویس ضد کارگری قانون کار توکلی، وزیرکار وقت بود. در این پیش نویس ضدانسانی که اجازه دادن کارگران را سرلوحه کار خود قرار داده بود با حذف بیمه اجباری کارگران، حذف حداقل دستمزد، لغو ۸ ساعت کار و بازنشستگی به میدان آمد. این پیش نویس که از سوی باندهای فکری عقب مانده ای برای سرکوب مبارزات کارگری مطرح شده بود و کارگران را چون ابزار می دید با تودهنی محکم طبقه کارگر مواجه شد. که متأسفانه باز هم این روزها توسط همان ابادی در لباس موسسات خیریه ای ضد کارگری، تبلیغ و مدیران وزارت کار و نمایندگان مجلس در تلاش برای قانونی کردن آن برآمده اند.

ما می خواستیم تا «حق اعتصاب» قانونی شمرده شود که در اصل ۲۷ قانون اساسی اجرایی شد و دکتر بهشتی از تدوین کنندگان این قانون در مصاحبه ای با روزنامه جمهوری اسلامی خردادماه سال ۱۳۶۰ این حق را برای کارگران و همه آحاد ملت قانونی دانست و از آن دفاع کرد.

ما می خواستیم سندیکاها و شوراهای کارگری چه در امر مدیریت کارخانه و چه در امور کارگری تصمیم گیرنده باشند تا هم کیفیت محصولات افزایش یافته و هم فروش خوبی داشته باشند تا دستمزدهای هر ساله کارگران با این فروش خوب به سطح یک زندگی انسانی برسد.

ما می خواستیم وزیرانی که در ارتباط با کارگران هستند از جمله وزیرکار با نظر ما انتخاب شوند، همانگونه که محمدجواد تندگویان برای وزارت نفت از سوی سندیکای کارگران نفت به دولت معرفی و تحمیل شد.

ما می خواستیم اخراج کارگر لغو شود تا هیچ خانواده ای به دلیل قصور پدر خانواده از حق معیشت محروم نشود. اگر کارگری خطا کرد خطایش در شورای کارخانه و با حضور نمایندگان سندیکا بررسی و مجازات شود اما اخراج به هیچوجه.

ما می‌خواستیم قانونی حامی کارگران نوشته شود که ۸۰ درصد جامعه را تشکیل می‌دهند نه حامی سرمایه داران، بلکه حامی نیروی کار و صنعت و سربلندی و آبادانی کشور باشد نه بازیچه دست مدیرانی که با آیین نامه‌ها و بخشنامه‌ها حقوق کارگران را ضایع می‌کنند.

ما می‌خواستیم تا ۸ ساعت کار، زندگی شایسته‌ای را برای همه زحمتکشان فراهم کند.

ما می‌خواستیم تامین درمان از صفر تا صد به عهده سازمان تامین اجتماعی باشد و در زمان بازنشستگی از زندگی شایسته‌ای برخوردار باشیم و مستمری‌ها زندگی انسانی را برپایمان رقم بزنند.

ما می‌خواستیم سازمان تامین اجتماعی که با پول‌های پدرانمان ایجاد شده است با دست نمایندگان واقعی کارگران که از سوی شوراهای کارگری کارخانه‌ها و سندیکاهای کارگری انتخاب می‌شوند اداره شود و دولت فقط ناظر باشد تا این ثروت کارگران ثمره اش به خانواده‌های کارگری برگشته و زندگی آنان را بهبود بخشد.

ما می‌خواستیم حقوق کارگران سر هر ماه پرداخت شده و چنانچه کارفرمایی از پرداخت به موقع آن خودداری کرد، مجازات گردد.

ما می‌خواستیم ایمن بودن محل کار توسط افسران ایمنی عضو سندیکاهای کارگری و بازرسان وزارت کار تایید شود تا از سودجویی کارفرمایان جلوگیری شود و حوادث کار پیش نیاید.

ما می‌خواستیم افزایش درآمد هر کارخانه صنعتی و اداری و مالی به افزایش درآمد کارکنان آن مجموعه و تمامی مردم منجر شود نه محلی برای تولد اختلاسگران و نجومی بگیران.

ما می‌خواستیم در کنار هر کارخانه بزرگ یک دانشگاه ایجاد شود تا متخصصین خود را آموزش داده و رابطه علم و کار در یک فرایند منطقی قرار گیرد و دانشجویان هم زمان آموزش و کار کنند تا متخصص بیکار نداشته باشیم.

ما می‌خواستیم پلیس سیاسی از دخالت در امور کارگری خودداری کند و هیچ کارگری به دلیل حق خواهی زندانی و اخراج و در لیست سیاه قرار نگیرد.

ما می‌خواستیم ساطور ساتسور برای همیشه به زباله دان تاریخ انداخته شود تا انتقاد از مسوولین برای همه مردم و بویژه زحمتکشان و اهالی مطبوعات آزاد باشد.

اینها شعارهای زحمتکشان برای تحقق انقلاب بهمین بود که برای آن زحمتکشان به میدان آمدند و فرزندانمان از جان گذشتند.

این خواسته ها شدنی است چون ما می خواهیم، اگر با تفکرات عقب مانده ای که کارگران را برده می خواهند مبارزه ای بی امان و متحد داشته باشیم.

در خاتمه یادی کنیم از اولین وزیرکاری که با سندیکاهای کارگری همدلی بی همتا داشت و آرزویش اعتلای ایران و بهبودی زحمتکشان بود، زنده یاد داریوش فروهر.

یاد می کنیم از:

حسین نعمتی مسوول انجمن همبستگی شوراها و سندیکاهای کارگری تهران و حومه

محمد جانجانیان عضو هیات مدیره سندیکای کارگران بافنده سوزنی که در روز ۲۲ بهمن توسط آدمکشان پهلوی کشته شد.

هدایت اله معلم عضو هیات مدیره سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران زندانی سیاسی دوران پهلوی و جان باخته در شهریور ۶۷

حسین سمنائی کارگر کفاش و عضو هیات مدیره کارگران کفاش در دهه های ۳۰، ۴۰، ۵۰ و آموزگار کارگران سندیکایی در دوران دهشتبار پهلوی

سجادی دبیر سندیکای کارگران خیاط و آقای کوچکی عضو همیشه فعال سندیکای خیاط که هر دو آموزگاران بی بدیل از دهه ۳۰، تا ۶۰ در این سندیکا بودند.

علیرضا فرهادی رییس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که پس از انقلاب به دلیل حق خواهی یکسال را در زندان سپری کرد و از آرمان های کارگرایش کوتاه نیامد و موسس کانون بازنشستگان تهران بود.

و یادی کنیم از یداله خسروشاهی رهبر بی نظیر سندیکای کارگران نفت که شیرهای نفت به دستور سندیکای کارگران خطوط لوله بسته شد و کمر سلطنت ۵۰ ساله پهلوی را شکاند.

دروود بر همه کارگران نام آشنا و گمنام جنبش کارگری که تا واپسین دم حیات برای بهبودی زحمتکشان تلاش کردند و نور آگاهی را بر تاریکخانه های ضد کارگری تابیدند.

ایران کشور زحمتکشان بوده، هست و باقی خواهد ماند.

مازیار گیلانی نژاد ۲۲ بهمن ۱۴۰۰

یکشنبه های اعتراض! (۱)

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز ۲۴ بهمن ۱۴۰۰ طبق فراخوان داده شده بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای تهران، اراک، شوشتر، رشت، مشهد، سمنجان، اهواز، شوش، کرمانشاه، خرم آباد، اصفهان، قزوین و تبریز برای خواسته های معطل مانده خود دست به اعتراض و تجمع زدند.

در قزوین ۱۵۰ نفر بازنشسته در مقابل اداره تامین اجتماعی در مورد اجرا نشدن همسان سازی سال ۱۴۰۰ و همچنین عیدی تحقیرآمیز شعار دادند.

در تبریز بیش از ۳۰۰ نفر از بازنشستگان با راهپیمایی شعار: «میمیریم میمیریم حق مونو می گیریم/ مدیر بی لیاقت استعفا استعفا» به اجرا نشدن همسان سازی اعتراض کردند.

در رشت ۱۲۰ بازنشسته خواهان افزایش حقوق حداقل بگیران توسط همسان سازی ۱۴۰۰ شدند.

در تهران بیش از ۲۰۰ بازنشسته تامین اجتماعی که با تراکت های کوچک چاپی اطلاع رسانی گردیده بودند از همان اوایل صبح به مقابل مجلس آمده و با اینکه ماموران نیروی انتظامی از آنان می خواستند به خاطر شرایط کرونایی امروز تجمع نباشد، اما بازنشستگان جواب دادند که براساس اصل ۲۷ قانون اساسی تجمع آزاد است و احتیاج به اجازه ندارد و همچنین: «دو هفته قبل به ما گفتید بعد از ۲۲ بهمن برای تظاهرات بیاییم، که حالا آمده ایم» مامورین نیروی انتظامی با متفرق کردن بازنشستگان و در مقابل، اصرار بازنشستگان باقی مانده در میدان و با افزایش تعداد معترضین، مسوول انتظامی با تماسی که گرفت به بازنشستگان اعلام کرد که می توانند تا ساعت ۱۱ تجمع کنند. بازنشستگان در این تجمع ضمن دادن شعارهایی مبنی بر وضعیت وخیم معیشتی و درمانی و بدقولی دولت در مورد همسان سازی شعار: «نه دولت نه مجلس هیچکس به فکر ما نیست» را دادند. از طرف برگزارکنندگان اعلام شد تریبون آزاد است و همه می توانند سخن بگویند که آقایان ناصر آقاجری در مورد بودجه ۱۴۰۰ و دیده نشدن بازنشستگان کارگری در این بودجه صحبت کرد، حسین غلامی از تخلفات مالی در شستا و اینکه مدیران شستا و کارخانجات شستا باید با نظر نمایندگان کارگران و بازنشستگان منتخب شوند و شستا حیاط خلوت وزارت کار نباشد سخن گفت، خانم روح زنده از مشکلات زندگی زنان و حداقل بگیران و از کار افتادگان صحبت کردند، ناصر گزارشی از امضاهای جمع آوری شده در طی این چند ماه در جهت خلع بیات برای حضار ارائه دادند. شعار: «اسماعیل گرامی آزاد باید گردد» بارها از سوی تریبون شعار داده شد. شعار: «کارگر معلم اتحاد اتحاد» از سوی تجمع کنندگان داده شد که

از سوی برگزار کنندگان اعلام شد: «این تریبون متعلق به همه بازنشستگان از جمله پرستاران، آموزگاران، و کارگران است» شعارهای: «تامین بازنشسته وظیفه دولته/ بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن/ کانون بی کفایت استعفا استعفا/ بازنشسته تنها نیست ما همه با هم هستیم/ عیدی حداقل دو ماه حقوق پرداخت باید گردد/ بیمه های تکمیلی دزد سرگردنه/ همسانسازی امسال اجرا باید گردد» و در پایان حسن مرادی از بازنشستگان فلزکارمکانیک قطعنامه را قرائت کرد. متأسفانه خانمی دست به جمع آوری دست نوشته های تجمع کنندگان زد که با اعتراض بازنشستگان روبرو شد.

در این تظاهرات جمعی از کارگران مخابرات و بازنشستگان فرهنگی برای ابراز همبستگی شرکت کرده و بازنشستگانی از شهرری، شهاب خودرو، صنعت چاپ، بافنده سوزنی، فلزکارمکانیک، اتوبوسرانی شرکت داشتند.

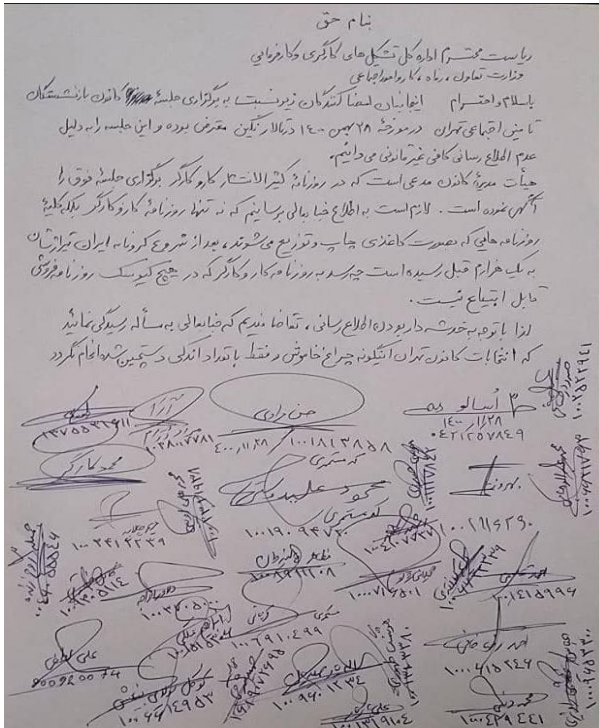
اعتراض بازنشستگان تهرانی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در روز ۲۸ بهمن نشستی از سوی گردانندگان کانون بازنشستگان تهران در تالار نگین برگزار شد تا نسبت به اعتراضات یک ساله اعضای کانون به نوعی پاسخ داده شود. اعضای کانون بازنشستگان تهرانی نسبت به عملکرد ضعیف و خانمانه هیات مدیره نامه های اعتراضی زیادی نوشته بودند که در کانال سندیکا درج شد. در این نشست تقریباً ۳۸۰ بازنشسته شرکت کرده بودند که با انتخاب هیات ریسه که همچنان صادقی بی عرضه در راس آن بود بیش از ۳۰ نفر از تالار خارج شدند. با ارایه گزارش منفعلانه رییس هیات مدیره و خزانه دار اعتراضات بالا گرفت که صادقی تلاش کرد آن را خاموش کند که یکی از بازنشستگان با فریاد گفت: «چرا از همسان سازی که اتفاق نیفتاده حرف نمی زنید؟ چرا از وضعیت بد درمان و بیمه های تکمیلی گزارشی نمی دهید؟ چرا از حقوق های نجومی که سازمان را ورشکسته کرده است حرفی زده نمی شود؟ صادقی، مگر نگفته بودی که اگر ۵۰ بازنشسته به خیابان بیاید من ۵۰۰۰ هزار بازنشسته به خیابان خواهم آورد چرا یکشنبه که ۲۰۰ بازنشسته در جلوی مجلس اعتراض کرده بود تو نبود؟ تو خانی خان» و سپس جلسه را ترک کرد. خانمی هم به حضار گفت: «برای چه نشسته اید؟ اینها دروغگو هستند باز هم می خواهید بنشینید و دروغ بشنوید؟» که بیش از ۱۰۰ نفر جلسه را به نشانه اعتراض ترک کرده و در خیابان تجمع کرده به سخنان معترضین گوش می دادند و قرار شد یکشنبه آتی در جلوی مجلس گردهم بیایند

نامه اعتراضی به نشست کانون بازنشستگان تهران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بیش از ۴۰ نفر از بازنشستگان تهرانی طی نامه ای به رییس اداره کل تشکل های کارگری و کارفرمایی وزارت کار نسبت به آنچه در جلسه ۲۸ بهمن کانون بازنشستگان اعتراض کردند. در این نامه نوشته شده است که به اظهار سران کانون به اعلام آگهی در روزنامه کثیرالانتشار!! «کار و کارگر» نقض اطلاع رسانی است. چرا که بعد از بلای کرونا تیراژ روزنامه ها به یک هزارم خود رسیده چه برسد به روزنامه «کار و کارگر» که در هیچ کیوسک روزنامه فروشی قابل تهیه نیست. در انتها: «لذا با توجه به خدشه دار بودن اطلاع رسانی، تقاضامندیم جنابعالی به مساله رسیدگی کنید که انتخابات کانون تهران اینگونه چراغ خاموش و فقط با تعدادی اندک دستچین شده انجام نگردد»

این نامه صبح امروز به شماره ۲۸۰۴۴ در دبیرخانه وزارت کار ثبت گردید و نسخه ای هم به خبرگزاری ایلنا داده شد.



یکشنبه های اعتراض! (۲)

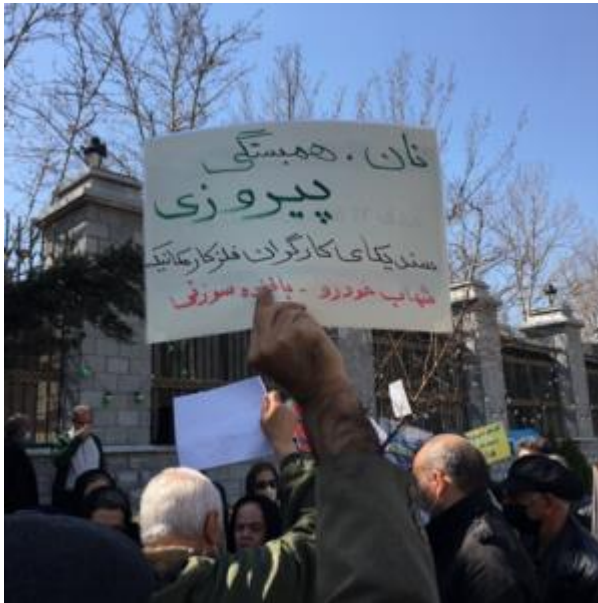
به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز اول اسفند طبق فراخوان داده شده بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای قزوین، تهران، تبریز، رشت، اراک، اصفهان تجمع کردند. در اصفهان بازنشستگان فولاد در مقابل صندوق فولاد تجمع کردند. در قزوین ۵۰ بازنشسته با هوای بارانی در مقابل اداره تامین اجتماعی دست به اعتراض زده در رابطه با عدم همسان سازی ۱۴۰۰ و وضعیت بد معیشتی شان شعار دادند.

در رشت بیش از ۱۰۰ مطالبه گر بازنشسته زیر باران شدید و سرما که با فریادهایشان بر سر خانین و غارتگران صندوق بازنشستگان با شعار: «بازنشسته، شاغلین، اتحاد اتحاد» مطالبات خود را در ۳ محور اعلام کردند ۱- عیدی بماند شاغلین ۲- اجرای ماده ۹۶ ۳- اجرای ۳ جابیه گرایی برای کوتاه کردن دست دولتیان و حاکمان از صندوق بین نسلی بازنشستگان تامین اجتماعی. در آخر با سخنرانی دو نفر از مطالبه گران در این باره و حذف بیمه های تکمیلی که در واقع با چپاول بازنشستگان بنفع کانون آن را بی خاصیت و بی انگیزه نسبت به سرنوشت بازنشستگان کرده است، شدند. بازنشستگان با شعار اسماعیل گرامی آزاد باید گردد خواستار آزادی همه زندانیان کارگری و صنفی ایران شدند.

در تهران طبق فراخوان قبلی ساعت ۱۰ صبح در مقابل مجلس با توجه به بارش باران حدود ۲۰ نفر بازنشسته سندیکای فلزکار مکانیک تجمع کردند. نیروهای امنیتی تعداد شان از بازنشستگان بیشتر بود و می گفتند: «دیروز که فرهنگی ها آمده بودند آنها به دلیل اینکه کارشان سیاسی شده به خواسته هایشان نمی رسند...» و با این حرفها با بازنشستگان مشغول حرف زدن شدند. بازنشستگان گفتند: «تا زمانی که مشکل معیشت ما حل نشود به اعتراض مان ادامه خواهیم داد. ما که دیوانه نیستیم در این وضعیت خطرناک کرونایی خودمان را به خطر بیندازیم. ما دوست نداریم در این موقعیت سنی خودمان را در این هوای بارانی و سرمای زمستان اذیت کنیم اما شکم گرسنه این حرفها حالیش نمی شود»

شخصی به نام طالقانی در زمان ترک کردن محل از بازنشستگان عکس می گرفت که مدعی بود خبرنگار مجلس است و از بازنشستگان خواست خواسته هایشان را بگویند تا او ضبط کند. بازنشستگان اجرای کامل همسان سازی حقوق و اجرای ماده ۹۶ و ۱۱۱ و دریافت عیدی همانند کارگران شاغل و لغو بیمه تکمیلی و برگشت حدود ۱۰۰ قلم دارو که از پوشش بیمه خارج شده است را از خواسته های خود اعلام کردند و در ساعت ۱۱ و نیم به تجمع خود پایان دادند.

یکشنبه های اعتراض! (۳)



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۸ اسفند بازنشستگان در ۱۵ شهر از جمله مشهد، کرمانشاه، قزوین، رشت، اراک، شوش، اردبیل، تبریز، بجنورد، خرم آباد، شیراز، اهواز، شوشتر در مقابل اداره تامین اجتماعی و بازنشستگان فولاد تهرانی و اصفهانی در مقابل صندوق بازنشستگی خود و بازنشستگان در تهران در مقابل مجلس تجمع کردند. عدم همسان سازی، دروغگویی های مسوولین سازمان تامین اجتماعی و کانون های بازنشستگی و همچنین کم شدن ۸۹ هزار میلیارد تومان بودجه ای که می بایست برای درمان و معیشت بازنشستگان در نظر گرفته می شد و عیدی حقیرانه ۱ میلیون ۶۰۰ هزار تومانی در صدر اعتراضات بازنشستگان بود.

از چند روز قبل تلفن هایی به فعالین بازنشسته فلزکارمکانیک مبنی بر عدم حضور در تجمع و لغو فراخوان داده شده برای تجمع زده می شد. اما با همه اینها بیش از ۷۰ بازنشسته شهاب خودروی، ایران خودرو، کیان تایر، مخابرات، دخانیات، مهمانانی از تبریز و گروه پایتخت در این تجمع حضور داشتند. تنی چند از بازنشستگان لشگری و کشوری هم برای همبستگی با بازنشستگان تامین اجتماعی حضور داشتند که با شعار: «لشگری کشوری تامین اجتماعی اتحاد اتحاد» روبرو شدند. با آورده شدن بلندگو، تریبون آزاد برای سخنرانی

از سوی برگزار کنندگان اعلام شد. ناصر آجاری بازنشسته پروژه ای در مورد خصوصی سازی و حقوق زحمتکشان در قانون اساسی سخن گفت. حسین غلامی از حقوقی که برای زحمتکشان در قانون اساسی به ویژه در مقدمه قانون اساسی و اصول ۳، ۳۶، ۲۷، ۲۹، ۱۳ سخن گفت. دو تن از خانم های حداقل بگیر و از کار افتاده در مورد وضعیت معیشتی خود سخن گفته و گفتند: «با ۲ میلیون تومان آقایان مجلسی چگونه می توان زندگی کرد شرمناک باد» «هر نوع همسان سازی می بایست ابتدا مستمری حداقل بگیرها را به خط فقر رساند بعد همسان سازی اجرا شود» شعارهای: «کارگر زندانی آزاد باید گردد» «اسماعیل گرامی آزاد باید گردد» «شاغل، بازنشسته اتحاد اتحاد» از دیگر شعارهای امروز بود. متأسفانه با بازداشت آقای فراهانی از گروه پایتخت فضا کمی متشنج شد که با گفتگوی بازنشستگان فلزکارمکانیک ایشان آزاد ولی شماره گفتگو کننده توسط پلیس گرفته شد. قطعنامه توسط خانم چالابه خوانده شد که برخی از بازنشستگان با انتقاد از قطعنامه نویسان که می بایست قطعنامه در تجمع نوشته شود تا بازگو کننده همه خواسته های بازنشستگان به ویژه حداقل بگیران، از کار افتادگان، بازماندگان باشد، شدند. تجمع در ساعت ۱۲ به پایان رسید.

یکشنبه های اعتراض! (۴)

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز یکشنبه ۱۵ اسفند در شهرهای تهران، رشت، شوش، اردبیل، بجنورد، قزوین، اهواز، کرمان، تبریز، شوشتر، اراک، کرمانشاه و اصفهان بازنشستگان تامین اجتماعی گرد هم آمده و ندای اعتراض خود را به وضعیت حقیرانه ای که برنامه های ضد کارگری بر آنان تحمیل کرده است، ابراز داشتند.

در قزوین ۷۰ بازنشسته به وضعیت خود اعتراض کردند.

در رشت یکبار دیگر بازنشستگان گیلانی به کف خیابان آمدند تا فریاد حق طلبی خود را به گوش مسئولان بی مسئولیت برسانند و با صدای رسای خود خواسته های بحق و قانونی خود را طلب کردند. از ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه حدود بیش از ۱۰۰ نفر یک صدا شعار می دادند: «فریاد ما بر این است عدالت بهترین است / بازنشسته بپا خیز برای رفع تبعیض / شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد» را سر دادند. نکته جالب و قابل تأمل اینکه در تجمع یکی از بازنشستگان خاتم اصرار داشت که در حال امضا تصویری از او در حال امضا گرفته شود. ایشان، برای اولین بار در تجمع استان گیلان شرکت داشت و تأکید می کرد که: «هر وقت تجمع باشه حتمن مشارکت خواهم داشت تا حق و حقوق خودمان را بگیریم!» این تجمع حدود یک ساعت بطول انجامید و در آخر بیانیه خوانده شد و با امضا بازنشستگان تجمع پایان رسید.



در تهران بازنشستگان در مقابل مجلس تجمع اعتراضی خود را برگزار کردند با آنکه در هفته قبل چند تن از بازنشستگان تهرانی تلفنی به آنان گفته شده بود به تجمع نروند اما در تجمع امروز بیش از ۶۰ نفر شرکت داشتند. ابتدا شعارهایی درباره اجرا نشدن همسان سازی سال ۱۴۰۰ دادند: «همسان سازی کجا بود دروغ، تزویر ریا بود/ این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی/ تا حق خود نگیریم آرام نمی‌نشینیم/ حقوق ما ریالیه هزینه‌ها دلاریم»

این شعارها بدون دستگاه صوتی و بلندگو داده می‌شد، اندکی بعد معترضان فرهنگی نهضت سوادآموزی دستگاه تقویت صوتی را در اختیار بازنشستگان گذاشتند. یکی از بازنشستگان در مقایسه حقوق و درآمد کارگران ایران با دیگر کشورها صحبت کرد و گفت که در کشور ما متأسفانه قیمت بعضی از اقلام مثل گوشت و سیب زمینی هر روزه گران می‌شود. یکی از بازنشستگان درباره نامه «عیدی حقیرانه» که از طرف بازنشستگان به سازمان تامین اجتماعی ارسال گردیده صحبت کرد. تعداد بیش از ۱۱۰ نفر از بازنشستگان این نامه را امضا کرده و به عیدی حقیرانه اعتراض کرده بودند. این نامه به تامین اجتماعی و وزارت کار و کانون عالی بازنشستگان و نسخه‌ای از آن را هم به خبرگزاری کار کارگران (ایلنا) ارسال کرده که روز گذشته ایلنا آن را منتشر کرد که متن آن نامه برای بازنشستگان معترض جلوی مجلس خوانده شد. تعداد دیگری از بازنشستگان در بیان مشکلات خود به پشت تریبون آمده و دردهای خود را بیان کردند. سپس شعارهای «کارگر زندانی آزاد باید گردد/ اسماعیل گرامی، عالیه اقدام دوست آزاد باید گردند» از طرف بازنشستگان تکرار گردید. این تجمع در ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه خاتمه یافت و بازنشستگان محل را ترک کردند. در هنگام ترک محل تجمع دو نفر از پلیس‌های لباس شخصی جلوی یکی از بازنشستگان را گرفته ضمن پرسیدن نامش و گرفتن شماره تلفن میپرسند: «چه کسی شعار عالیه اقدام دوست و اسماعیل گرامی آزاد باید گردد را داد؟ اینها سیاسی هستند» بازنشسته پاسخ می‌دهد: «این حرف را ننزید. اسماعیل گرامی یک بازنشسته هستش با ۶۶ سال سن و درگیر با انواع بیماری ایشان

جایش زندان نیست. حکومت در این مورد اشتباه بزرگی کرده و ایشان را زندانی کرده و باید آزاد شود. اعتراض ما بازنشستگان نه سیاسی است و نه ما برانداز هستیم ما حق و حقوق مان را میخواهیم و برایمان فرقی نمیکند کی حکومت میکند ما مطالبه گر هستیم. در ضمن ببخشید با اجازه من کار دارم و باید بروم... خداحافظ...» که در مسیر به بقیه بازنشستگان مپیوندد.

یکشنبه های اعتراض! (۵)

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز یکشنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۰ در شهرهای تهران، اردبیل، تبریز، کرمانشاه، رشت، بابل، قزوین، دامغان، شوشتر، اصفهان، بازنشستگان در اعتراض به عدم همسان سازی و وضعیت بد معیشتی و درمانی دست به اعتراض زدند. در دامغان و اصفهان و تهران بازنشستگان فولاد در مقابل صندوق فولاد تجمع کرده و دیگر بازنشستگان نیز در شهرهای خود در مقابل ادارات تامین اجتماعی تجمع کردند.

آخرین تجمع ۱۴۰۰ در رشت را با بیش از ۷۰ نفر از بازنشستگان برگزار شد. آنان با فریادشان خشم خود را علیه همه بی عدالتی که برخورد و زحمتکشان ایران روا داشته می شود، نشان دادند و با شعار: «شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد/ تورم بلای جان مردم/ این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی/ فریاد فریاد از اینهمه بیداد» پایان رساندند. یکی از بازنشستگان گفت: «اگر ماده ۹۶ داخلی قانون تامین اجتماعی اجرایی شود به هیچ عنوان احتیاجی به این همه قوانین پیچیده یا همسان سازی نیست ما باید تامین اجتماعی را وادار کنیم که این ماده را اجرایی کند»

در تهران بیش از ۳۰ بازنشسته تامین اجتماعی طبق فراخوان بازنشستگان متحد (فلزکارمکانیک، بافنده، صنعت چاپ، شهاب خودرو، شهرری) در مقابل مجلس جمع شده و اعتراض خود را به مسئولین کانون بازنشستگان تهران بیان کردند. با توجه به اینکه تعداد نیروی انتظامی و لباس شخصی ها بیشتر از تجمع کنندگان بود و بازنشستگان همه این لباس شخصی ها را که به عنوان های واهی خبرنگار مجلس و صداوسیما و... دور و بر مجلس پرسه میزنند، را خیلی خوب شناسایی کرده و می شناسند. این لباس شخصی ها مرتب از بازنشستگان عکس و فیلم می گرفتند.



بازنشستگان تهرانی پیشنهادهایی مبنی بر اینکه: «از این به بعد تجمعات اعتراضی یکشنبه‌ها را در مقابل کانون‌های بازنشستگان برگزار کنیم و به شکلی عملی اعتراض علنی خودمان را به عملکرد کانونی‌ها در طی این سالها بیان کنیم» و یا به سیاست‌های غلط اقتصادی دولت‌ها در طی این چند دهه در خالی کردن صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی و همچنین بی‌عرضه‌گی آنها در مهار تورم و گرانی روزافزون اعلام کرده و خاطر نشان شدند که بی‌عرضگی مسوولین سبب شده زندگی برای بازنشستگان مشقت بار شود و باعث کوچکتر تر شدن سفره‌های خالی آنها گردد، بحث و گفتگو کردند. آنها در این گردهمایی که به نوعی آخرین تجمع اعتراضی سال ۱۴۰۰ هم بود، علت حضور کم‌رنگ بازنشستگان را به بحث گذاشته و از بازنشستگان تهرانی خواستند که این موضوع را در گروه‌های واتساپی بازنشستگان به بحث گذاشته و آسیب‌شناسی نمایند.

تعدادی از بازنشستگان موضوع ۲ درصد ماده ۸۹ را مطرح کردند. «یک زمانی بهانه کانونی‌ها این بود که برای هزینه‌های صدور دفترچه‌های درمان می‌بایست این درصد از بازنشستگان کسر شود ولی حالا که دفترچه‌های کاغذی حذف شده، دیگر چرا باید این پول که برای بازنشستگان عدد کمی هم نیست، هر ماهه از آنها کسر گردد» و مشترک‌ن خواهان تهیه طوماری اعتراضی به این سواستفاده شدند. این تجمع در ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه خاتمه یافت.

نان، همبستگی، پیروزی به ثمر خواهد نشست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۳۰ بهمن طبق فراخوان داده شده از سوی تشکل های فرهنگیان بیش از ۴۰۰ فرهنگی در مقابل مجلس گرد هم آمده و نسبت به اجرا نشدن درست لایحه رتبه بندی شاغلان و تامین نکردن ۱۲.۵ هزار میلیارد تومان رتبه بندی در سال ۱۴۰۰ دست به اعتراض زدند. ابتدا یکی از فرهنگیان در مورد بدقولی های دولت های گذشته و فعلی و اظهارات آنان با تاریخ لیستی را برای فرهنگیان خواند. در این تظاهرات فرهنگیان یک صدا می گفتند: «هرکه با اهل قلم در افتاد، ور افتاد»

با توجه به اینکه اعضای بازنشسته سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در ابراز همبستگی با این عزیزان برای چندمین بار شرکت کرده بودند از سوی تریبون برای سپاسگزاری و اظهار همبستگی شعار: «کارگر معلم اتحاد اتحاد» سر داده شد. در این تظاهرات اعضای بازنشسته سندیکای کارگران فلزکارمکانیک شعارهای «همسان سازی برای همه معلم، پرستار، کارگر» «بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض» «همسان سازی ۱۴۰۰ چی شد؟ تا حق خود نگیریم از پانمی نشینیم» «نان، همبستگی، پیروزی»




قربانیان سیستم سرمایه داری دو سو!



نتوانستم بگریزم، گیرم انداخت. بینشان محاصره شدم. با تحکم گفت: «ماسکت را بردار» بی‌کلام رویم را گشودم، ماسک از چهره برداشتم.

نگاهمان در هم تلاقی کرد. اشک در چشمم دوید. او شاگردم بود و من معلمش، شرمسار گریبانم را رها کرد و من رفتم.

از آن روز به او می‌اندیشم. با لباس و کوله‌ی کودکی‌اش در کنار چهل تن دیگر و صداها‌ی گنگی که می‌شنیدم و نمی‌شنیدم.

به یقین که او نمی‌داند من برای کودکی او در خیابانم، برای کودکی کودکش و کودکان دیگر، و ناخواسته سوار شدم.  ا.م معلم بازنشسته

از جنبش کارگری جهانی بیاموزیم!

نگاهی به زندگی و مبارزه کارگران کره جنوبی

در سال ۲۰۰۹ کارگران کارخانه ماشین‌سازی سنگ یونگ ۷ دست به اعتصاب مهمی زدند. در ابتدای این سال کارخانه به بهانه بحران بین‌المللی مالی، اعلام ورشکستگی کرد. کارخانه بیش از ۲۵۰۰ کارگر خود را اخراج کرد. همان‌طور که بعداً توسط اتحادیه کارگران فلزکار کره با مدارک کامل اثبات شد، شرکت مادر صاحب کارخانه با حساب‌سازی بر روی دفاتر شرکت، به‌طور ساختگی شرکت را ورشکسته نشان داد تا بتواند علیه حقوق کارگران و اتحادیه آنان اقدام نماید. اعتصاب کارگران سنگ یونگ موتورز، یکی از شدیدترین موارد مبارزه کارگران بود که کره جنوبی در عرض دو دهه بخود می‌دید. برای ۷۷ روز این کارخانه میدان جنگ طبقاتی خشنی بود: در یک سو قریب هزار کارگر گرسنه و خسته برای حقوق خود می‌جنگیدند و در سوی دیگر هزاران پلیس تا دندان مسلح. اعتصاب‌شکنان و چاقوکشان مزدور رؤسای کارخانه و کل ماشین سرکوب دولتی قرار داشتند. در ماه مه، کارخانه زیر نظر دادگاه ورشکستگی قرار گرفت و کارخانه طرحی را برای بازگشایی خود به دادگاه ارائه داد که منجر به اخراج ۲۶۴۶ کارگر می‌شد. با اعلام این خبر هزاران کارگر اعلام اعتصاب کردند و روز ۲۱ ماه مه (۳۱ اردیبهشت) کارخانه را به تصرف خود درآوردند. این اعتصاب موفق به جلب حمایت اتحادیه کارگران فلزکار، کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره جنوبی، خانواده‌های کارگران و کارگران کارخانه‌های اطراف شد و آنها همگی خود را برای مبارزه‌ای طولانی آماده کردند. کارگران برای دفع حملات پلیس و گارد انتظامی شرکت، دور کارخانه استحکامات دفاعی برپا کردند. هسته اصلی نیرویی که کارخانه را اشغال کرد، از ۵۰ تا ۶۰ گروه ده نفری از کارگران تشکیل شده بود، که هر کدام از آنها برای هماهنگی در اقدامات مشترک، یک نماینده از میان خود انتخاب کردند. خواسته‌های اعتصاب بر سه ماده متمرکز بود: جلوگیری از هرگونه اخراج؛ امنیت شغلی برای همه کارگران؛ و توقف هرگونه برون‌سپاری تولید.

در ابتدا شرکت با استفاده از نیروهای انتظامی خصوصی و چاقوکشان مزدور، به کارگران حمله کرد. مدیریت سنگ یونگ دائماً از هرگونه مذاکره با اتحادیه کارگران فلزکار، که نمایندگی کارگران را به عهده داشتند، سرباز می‌زد. هرچند که در آغاز این فعالیت، نمایندگان اتحادیه از سه خواست کارگران، تنها بر روی اخراج کارگران تأکید داشتند.

تا ژوئیه ۲۰۰۹ (مرداد ۱۳۸۸) کارگران کوشش‌های متعدد چاقوکشان مزدور شرکت را برای بیرون راندن آنها از کارخانه خنثا کردند. اوایل تیرماه، پلیس دست به حمله همه‌جانبه‌ای علیه کارگران حاضر در کارخانه زد. هزاران نیروی ضد شورش سراپا مسلح همراه ماشین‌های آبیاش و بالگردهایی که گاز اشک‌آور به روی سقف کارخانه شلیک می‌کردند، به یکباره به کارخانه یورش

بردند. کارگران اعتصابی با تیروکمان دست ساز، کوکتل مولوتوف، پیچ و مهره و حتا با دست خالی به مقاومت برخاستند. بسیاری از کارگران در این حمله به شدت زخمی شدند، اما تسلیم نشدند و کارخانه را ترک نکردند.

طی این دوران، کارگران اعتصابی از پشتیبانی عظیم داخلی و بین‌المللی برخوردار بودند. اتحادیه کارگران فلزکار و کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری، اعتصاب‌های متعددی را در حمایت از کارگران سنگ یونگ برگزار کردند و از کارگران کارخانه‌های مجاور خواستند که جهت همبستگی با کارگران اعتصابی، یک راهپیمایی به سوی کارخانه سنگ یونگ سازمان دهند. اعتصاب‌های دیگری نیز در نقاط دیگر کشور در همبستگی با کارگران اعتصابی کارخانه سنگ یونگ برگزار شد. ۲۵ تیرماه هزاران کارگر عضو اتحادیه فلزکاران برای همبستگی با کارگران اعتصابی، روبروی ساختمان شهرداری شهر جمع شدند تا جهت رساندن آب و مواد غذایی برای کمک به کارگران اعتصابی به سوی کارخانه راهپیمایی کنند، اما پلیس مانع آنها شد.

در پی این واقعه، روز ۲۰ ژوئیه (اواخر تیر ماه)، هزاران پلیس با داشتن حکم دادگاه، به همراه گروهی چاقوکش مسلح در حالی که با بالگردهای مجهز به مواد حلال شیمیایی پشتیبانی می‌شدند، به کارخانه حمله کردند. بعد از چندین یورش پلیس، کارگران برای حفاظت خود، در کارگاه رنگ کارخانه جمع شدند، زیرا می‌دانستند که با وجود هزاران لیتر مایعات قابل اشتعال در این کارگاه، پلیس به این بخش کارخانه حمله نخواهد کرد. همزمان مبارزه به بیرون کارخانه نیز کشیده شده بود. پلیس با خشونت به سرکوب راهپیمایی و تظاهرات اعضای اتحادیه فلزکار و کنفدراسیون کارگران و کارگران کارخانه‌های مجاور ادامه می‌داد.

در پایان ماه ژوئیه (اوایل مرداد) آب کارخانه را قطع کردند و مانع از رساندن غذا به کارگران در داخل کارخانه توسط خانواده‌هایشان شدند. شرایط طاقت‌فرسای داخل کارخانه، تعدادی از کارگران را مجبور به ترک کارخانه کرد، اما آنها از محکوم کردن همقطاران اعتصابی خود سرباز زدند و در مقابل، حمایت خود را از اشغال کارخانه اعلام کردند. علی‌رغم تمام فشارها و حملات فیزیکی دائمی پلیس و جنگ روانی برای شکستن روحیه کارگران (از جمله قطع برق کارخانه و پرواز ۲۴ ساعته بالگردهای پلیس بر فراز کارخانه برای بی‌خواب نگاه داشتن اعتصابیون)، کارگران اعتصابی در (پنجم مرداد) یک مصاحبه مطبوعاتی سازمان دادند و طی آن اعلام کردند: «... ما تاکنون تمام تلاش خود را برای حل این مناقشه به شکلی مسالمت‌آمیز و از طریق گفتگو به کار بستیم. اما اگر قرار است که این سرکوب بی‌رحمانه و مهلک ادامه یابد، ما صراحتن تصمیم خود را برای مقاومت تا پای جان اعلام می‌کنیم»....

بعد از یک دور از مذاکرات بی‌نتیجه و لغو یک‌جانبه جلسات گفتگو توسط مقامات شرکت، نهایتاً شرکت و اتحادیه کارگران فلزکار در (۱۵ مرداد) برای خاتمه اعتصاب با شرایط زیر به توافق

رسیدند: بازنشستگی پیش از موعد (اخراج به همراه پرداخت مزایای پایان خدمت) برای ۵۲ درصد از کارگران اعتصابی؛ و مرخصی یک ساله بدون حقوق برای ۴۸ درصد کارگران اعتصابی با امکان استخدام مجدد در صورت رونق اقتصادی.

در مورد رفتار خشونت‌بار پلیس و مأمورین حفاظت کارخانه، هیچ‌گونه پیگیری انجام نشد، اما تهدیدات قانونی در مورد بسیاری از اعتصابیون ادامه یافت. قریب ۷۰ کارگر بعد از خاتمه اعتصاب بلافاصله به زندان افتادند که بیشتر آنها کم‌کم آزاد شدند. رهبران اعتصاب هان سنگ - کیون، کون سان-من، و کیم هی یوک، به دو تا چهار سال حبس محکوم شدند. برخلاف توافقات، ۱۵۳ نفر از کارگران اعتصابی اخراج شدند. شرکت همچنین برخلاف تعهد خود از بازگرداندن کارگران موقت سرباز زد. در (آبان ۱۳۹۳) دادگاه استیناف رأی به نفع کارگران داد و اقدام شرکت را غیرقانونی اعلام کرد. اما این حکم توسط دیوان عالی کشور نقض گردید.

کارگران اخراجی به همراه خانواده‌های خود، خیمه‌ای به نام «چادر امید» در مجاورت کارخانه برپا کردند، تا شرکت را مجبور به انجام تعهد خود در بازگرداندن کارگران به سرکار نمایند. در سال (۱۳۹۵)، شرکت در مذاکره با اتحادیه کارگران موافقت کرد کارگران اخراجی را دوباره استخدام نماید، اما هرگز به آن عمل نکرد.

نهایتاً در (شهریور ۱۳۹۷) سنگ یونگ موتورز (که اکنون به مالکیت کنسرن ماهیندرا- ماهیندرا درآمده بود) و اتحادیه به توافق رسیدند که کارگران اخراجی به دلیل شرکت در اعتصاب را به سرکار بازگردانند، امری که تنها شامل ۱۱۹ کارگر در زمستان سال (۱۳۹۸) شد. به بقیه کارگران، در طی نامه‌ای از شرکت، اعلام گردید که به دلیل «کسادی کسب و کار» استخدام دوباره آنها به تعویق افتاده است.

در دوران اعتصاب و پس از آن، بیش از ۳۰ نفر از کارگران و اعضای خانواده آنها، مشخصاً به دلیل اخراج جمعی و تهدیدات شرکت و دولت، جان خود را از دست دادند. برخی کارگران دست به خودکشی زدند، و برخی دیگر به دلیل آسیب‌های روحی ناشی از اقدامات شرکت و دستگاه سرکوب دولتی جان دادند.

اما علی‌رغم همه این وقایع، مبارزه کارگران سنگ یونگ، الهام‌بخش بسیاری از مبارزات کارگران در سرتاسر جهان شد. اعتصاب کارخانه سنگ یونگ در دوران پسابحران اقتصادی رخ داد، زمانی که سرمایه بین‌المللی از بحران، به عنوان توجیهی برای پایمال کردن حقوق کارگران و اتحادیه‌های آنها استفاده می‌کرد. واقعه مهم ۷۷ روز اعتصاب در کره جنوبی، طبقه سرمایه‌دار این کشور و سرتاسر جهان را تکان داد. مبارزه‌ای که هنوز ادامه دارد....

قشر متوسط چه کسانی هستند؟

از نظر جامعه‌شناسی کلاسیک قشر متوسط کسانی هستند که از نظر طبقاتی مابین سرمایه‌داران و مستضعفین جای می‌گیرند. این قشر و طبقه اجتماعی خصوصیات خاص خود را دارند نه فرودستند، نه فرادست. هم متعرض به بالایی‌ها هستند هم تلاش می‌کنند جزو آنها شوند. در جنبش‌های اجتماعی اگرچه آگاه‌تر از فرودستان هستند و رهنمود می‌دهند و تتوری پردازی می‌کنند، اما خود متزلزل‌اند، رفیق نیمه‌راهند، مثل مادیان مجنون که مجنون را بسوی لیلی می‌برد اما به محض غفلت مجنون از راه منحرف می‌شد برمی‌گشت بسوی کره خودش. که درنهایت مجنون از خیرش گذشت.

این قشر شعار می‌دهند اما در عمل نا‌پایدارند، چون هنوز چیزی دارند که نمی‌خواهند از دست بدهند، فریاد اعتراض آنها برای آن است که می‌خواهند خود را به جایگاه فرادستان برسانند. بی‌گدار به آب نمی‌زنند که میان فرودستان سقوط نکنند.

داشتن چنین خصوصیتی ربطی به ثروت و مال و دارایی هم ندارد، کافی است که یک امتیازی یک نفر را از فرودستان هم‌نوع خود جدا کند. این شخص در چنین جامعه‌ای آلوده به چنین خصوصیتی خواهد بود، و دوست نخواهد داشت جزو فرودستان باشد. در جامعه آنقدر فقر و فلاکت را می‌بینند که احتیاط می‌کنند دست به عصا هستند و شکر گزار هستند که آب باریکه‌ای دارند اگرچه مبلغ قابل توجهی هم نیست اما همین خود موجب تمایز آنها از دیگران بوده، و خواهی نخواهی آنها را در ورطه محافظه‌کاری فرو خواهد برد.

امروز جامعه ما چنان دچار فقر زدگی شده که اقشار تحت پوشش تامین اجتماعی و سایر بازنشسته‌ها هم خود را نسبت به اقشار ضعیف‌تر، تا حدودی در حیطه امنیت اقتصادی تصور می‌کنند، و لذا محافظه‌کار شده‌اند. یعنی این همه گروه در فضای مجازی جمع‌اند تا وضعیت‌شان بهتر از این که هست باشد، شعار می‌دهند شکایت می‌کنند اما در عمل مرددند و جدی نیستند. این یعنی محافظه‌کاری، و همین محافظه‌کاری در حق طلبی پاشنه آشیل این جماعت که موجب سقوط آنها به جرگه فرودستان خواهد شد.

خانه!

وقتی از نانوائی سر خیابون نان می گیریم و به سمت خانه راه می افتم ، می گوییم:
"دارم میروم خانه..."

وقتی از شهری که در آن درس می خوانیم می خواهیم به شهرمان برگردیم ،

می گوییم: "دارم میروم خانه..."

وقتی از یک کشور خارجی که در آن اقامت داریم ، می خواهیم به ایران برگردیم ، می گوییم:
"دارم میروم خانه...."

فلیکس بام گارتنر ، ماجرا جوی اتریشی ، وقتی در لبه فضا، از کپسولش بیرون آمد و می خواست سقوط آزاد تاریخی اش را به سمت زمین شروع کند، گفت: "دارم میروم خانه..."
فضانوردان ایستگاه فضایی، وقتی دلشان تنگ می شود ، از پنجره های کوچک ایستگاه فضایی، به زمین نگاه می کنند ، به خانه نگاه می کنند.. آنها بیشتر وقتها به جای کلمه زمین از خانه استفاده می کنند.

به نظر می رسد هر چه از سرزمین آباء و اجدادی ، از تعصبات نژادی ، از ملیت دورتر می شویم ، هر چه بیشتر مرزهای قراردادی کشورها و قاره ها را پشت سر می گذاریم، خانه مان بزرگتر می شود و آدمها ، جدا از نژاد و رنگ و ملیت ، عضو خانواده ما و برادر و خواهرمان می شوند.

از نظر فضانوردی که از فضا به زمین می نگرد ، زمین و همه موجوداتش، یک خانواده اند . اگر روزی آدمها بدون آنکه به مرز فضا سفر کنند ، به چنین دیدگاه وسیعی برسند، وقتی که به جای شهر من و کشور من، بگویند: زمین من، دوره جدیدی برای بشر آغاز خواهد شد... آنوقت است که بشر به جایگاه واقعی و هدف نهایی اش در پهنه جهان هستی پی خواهد برد... شاید چیزی به نام : "صلح عمومی"

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

گله یکی از دوستان!!!!!!!

-کازیم آغا، چرا این همه از فقر و نداری می نویسی؟ بابا شما آبروی فقرا را می بری. چرا با لباس پاره و دست و صورت کثیف عکسهایشان یا فیلمهایشان را در کانال و گروهها می گذاری؟؟ شرمنده ها، شما طوری می نویسی بعضی ها فکر می کنند فقرا نمی توانند غذا و لباس پیدا کنند. این همه در کشورمان صندوق کمیته امداد و خیریه ها و مساجد و مردم و... را شما زیر سوال می برید. کار خوبی نمی کنی در کشورهای دیگر فکر می کنند ما ایرانی ها محتاج یک لقمه نانیم. بابا بس کن ما ثروتمندترین کشور خاورمیانه هستیم. ما می توانیم چند کشور دیگر را از مایحتاج زندگی بی نیاز کنیم چرا آبرومان را می بری؟؟؟ کسی نیست بتو جواب بدهد دستت را بگیرد بگوید کو؟؟ نشان بده ببینم کجاست؟ چه کسی در کشور فقیر است؟؟ اگر فقیریم چطور بیش از سه میلیون زوار به کربلا رفتند این همه وسایل گرانبه در بازار را کی می خرد؟؟ از کلاغها و سگها پیرس ببین چقدر غذا و میوه در آشغالها می ریزند چقدر پول به بیگانگان خرج می کنیم. در کجای دنیا ایرانی ها مردم فقیری هستند. ما آنقدر سرمایه داریم تمام کشورها دستشان را بما دراز کرده اند، کجایید شما برو خوب مطالعه کن. هر روز در اخبارها می گویند اختلاس اختلاس. فلانی برد سنگ کوچکشان هم چند میلیون دلاره پس چرا تمام نمی شه؟ حالا آنهایی که لو رفته می گویند چند برابرش را می برند کسی نمی داند یا نمی تواند بگوید

-گفتم: چشم راست می گویند این عکسها و فیلمها را از آفریقا برمی دارم و بعضی ها را از فیلمها انتخاب می کنم فقرا را با لباس نو در پشت ماشین بنزمدل بالا جلو هتل پنج ستاره در ساختمان هزارمتری گوشی موبایل ده میلیونی در دست پشت میز زرگری یک مدال طلا بر گردن و انگشترنگین الماس در انگشتان می کشم چشم حتمان مرا به بزرگواریتان عفو کنید!!!!!! ما پیشرفت ترین و بی نیازترین و امن و امان ترین . کشور دنیا هستیم

فریبکاری در واگذاری ها به بورس

پس از واگذاری سهام بلوکی شرکت هیکو بابت رد دیون به تامین اجتماعی سهام این شرکت از فروردین ماه تاکنون در تابلو بورس از ۵۵۹ تومان به ۱۷۸ تومان رسیده است. نتیجه سیاسی کردن ساختار و تیم مدیریتی سازمان تامین اجتماعی را در همین یک مورد می توان مشاهده کرد.

بیاموزیم!

سرمایه داری ۳۰۰ سال است که نوید بهشت را می دهد، اما هر روز جهنمی از بیکاری، جنگ، شیوع بیماری های آزمایشگاهی و فقر را دامن می زند. پس از حاکم شدن نئولیبرالیسم، ناامیدی و فرد گرایی در زندگی بشر جای خاصی پیدا کرده است. ۵۰ سال پیش بشر در هر شرایطی امید به بهبود و تغییر داشت اما امروز به یمن نئولیبرالیسم، امید را از دست داده است.

آزادی، اگر به معنای گسترانیدن وسیع ترین تلاش ها و مشارکت ها و طرح آرای مردمی باشد، آنگاه می باید به دو کار اساسی دست بزند: نخست محدود و یا متوقف کردن کسانی که مانع این گسترش هستند و سپس تلاش برای بالا بردن سطح شناخت و فرهنگ و امکانات مساوی مردم از راه ممانعت از قدرت یابی اقتصادی برخی گروه های اجتماعی.

فریبرز رییس دانا اقتصاددان طبقه کارگر



زباله گردی؛ شغل ۱۴ هزار نفر در تهران!

روزنامه خراسان نوشت: در گزارش شهرداری تهران در سال ۹۹ تعداد افراد زباله گرد در کشور حدود ۱۴ هزار نفر اعلام شده که حدود ۴۷۰۰ نفر از این افراد که غالباً کودکان هستند در شهر تهران فعال هستند. نکته قابل تأمل در خصوص آمار فوق حضور ۹۰ درصدی مهاجران غیرقانونی در میان جمعیت زباله گرد کشور است. شاید با شنیدن رقم سود زباله که بیشترش نصیب مافیای زباله می‌شود، هوش از سرتان برود. برای این که بفهمید این بازار زباله چقدر پر سود است، کافی است بدانید بر اساس گفته های عضو سابق شورای شهر تهران این رقم فقط برای زباله‌های شهر تهران که روزانه حدود ۹ هزار تن است، برابر است با ۲۰ میلیارد تومان در هر روز که رقم سالانه آن می‌شود هفت هزار میلیارد تومان!

اهمیت تفکیک زباله!

برای کاهش میزان پسماند در طبیعت، ساده ترین و موثرترین و کم هزینه ترین راهکار، تولید نکردن زباله از طریق کاهش مصرف و پرهیز از استفاده اقلام غیرضروری (مانند کیسه ها و بسته ها و نی پلاستیکی و ظروف و قاشق و چنگال یکبار مصرف، آب بسته بندی شده، نوشابه های خانواده) است. راهکار بعدی جداسازی زباله های خشک و تر است که يك روش ابتدایی برای کاهش میزان پسماند و اثر آن بر محیط زیست است. متأسفانه هنوز در اکثر نقاط کشور ما، سامانه مناسبی برای جمع آوری زباله های تفکیک شده وجود ندارد. اما در خیلی از شهرها ایستگاههای بازیافت شهرداری ها، زباله های قابل بازیافت را از شما دریافت می کنند. این کار کمی پر زحمت است و بسیاری از شهروندان حتا از وجود این ایستگاه ها در سطح شهر بی خبر اند. اگر فرصت و امکان مراجعه به این ایستگاه ها را ندارید، باز هم تفکیک زباله توسط شما می تواند به کاهش پسماند در طبیعت کمک کند چرا که هستند کسانی که از زباله های ما ارتزاق می کنند. میزان قابل توجهی از زباله های خشک و بازیافت پذیر، توسط گروهی از شهروندان شهر از سطل های آشغال جمع آوری می شود. این دسته از شهروندان معمولاً وضعیت بهداشتی و اقتصادی مناسبی ندارند و بابت این کار پر زحمت دستمزد بسیار ناچیزی دریافت می کنند. پس یادمان باشد، حتی اگر زیرساخت های مناسب جمع آوری زباله های تفکیک شده در محل زندگیمان وجود ندارد، با تفکیک زباله می توانیم زحمت و مشقت برخی هموطنان عزیزمان را کم کنیم که زندگی آنها به زباله های قابل بازیافت وابسته است. اگر تصمیم به تفکیک زباله گرفتید، سعی کنید زباله تر را در کیسه های تیره و زباله خشک را در کیسه های روشن قرار دهید که فرآیند تشخیص نوع زباله و جمع آوری زباله های خشک را برای جمع کنندگان زباله ها آسان تر کنید. در کنار کاهش مصرف و تفکیک زباله فراموش نمی کنیم که مسئولیت پذیری ما شهروندان نباید موجب سلب مسئولیت شهرداری ها شود. پس همچنان لازم است که ایجاد سیستم جمع آوری مناسب و به روز جمع آوری زباله های قابل بازیافت را از شوراهای شهر و شهرداری ها طلب کنیم.

ماهیت سرمایه‌داری کنونی

دنیای ما امروز غرق در بحران ساختاری عمیقی است که زاینده بی‌ثباتی است و دنیا را تهدید به جنگ جهانی دیگری می‌کند. چنین است چپستی و عصاره مرحله کنونی سرمایه‌داری. تضادهای سرشتی این نظام، یعنی تضاد میان کار و سرمایه، و تضاد میان سرشت اجتماعی تولید و بهره‌مندی خصوصی از حاصل کار، از میان نرفته است. برعکس، عیب و نقص‌های درونی این نظام اکنون سرشتی جهانی یافته است. هیچ گوشه‌ای از کره زمین نیست که از دسترس شاخک‌ها و بازوهای این اختاپوس درنده‌خو و غارتگر مصون مانده باشد.

بحران بخش جدایی‌ناپذیری از اقتصاد سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری در سراسر تاریخ حیاتش چندین بحران عمده و ده‌ها بحران کوچک داشته است. بحران اخیر اکنون دهمین سال است که ادامه دارد.

بحران کنونی پیامد مستقیم نولیبرالیسم است. دیوید هاروی، مارکسیست آمریکایی، به این نتیجه رسید که سرمایه مالی قماری در دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰ سرانجام دست بالا را بر سرمایه صنعتی پیدا کرد به طوری که هدف فعالیت اقتصادی شد بهای سهام در بازار بورس، و نه تولید. منافع مالی، و «قدرت حسابداران به‌جای مهندسان»، در میان طبقات و نخبگان حاکم غالب شد. واقعیت این است که سرمایه‌داری دارد از تولید مادی دور و دورتر می‌شود. به وجود آمدن و ترکیب حساب‌های مالی اکنون ویژگی شاخص سرمایه‌داری نوین شده است. که به این پدیده امپریالیسم مالی می‌گویند.

کارگران باید بیاموزند تا بهتر پیکار کنند!

در چند سال اخیر متأسفانه با پیشرفت علم و دستیابی آسان به اطلاعات، متأسفانه انسانها مورد هجوم بمباران اطلاعاتی قرار گرفته و دیگر کتابخوانی و درک درست از حوادث، به سطح اطلاعاتی که در فضای مجازی منتشر می شود، محدود شده است. ضرورت خواندن و درک پژوهش های تاریخی و تحلیل های اجتماعی-سیاسی برای کوشندگان سندیکایی به امری ضروری تبدیل شده است تا بتوانند با آگاهی علمی از سیر حوادث و رخدادها، تحلیل درستی ارائه کنند. کوشندگان سندیکایی باید جامعه شناسی علمی را آموخته تا به انحراف نروند.

تاریخ برای کسی که با دانش علمی به سراغ آن نرود، پیوسته انبان درهمی از رخدادهاست که به سفسطه گران این امکان را می دهد که واقعیت را جعل کنند.

پیوند مبارزات اقتصادی با مبارزات سیاسی

هدف نهایی جنبش کارگری تصرف قدرت سیاسی است و برای این منظور سازمان های سیاسی و صنفی خود را در جریان مبارزات اقتصادی تشکیل و رشد می دهد. هر حرکتی که طبقه کارگر برای مخالفت با سیاست های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که علیه منافع کارگران باشد و توسط حاکمیت سرمایه داری به آن تحمیل می گردد، انجام دهد، جنبشی است که خواهد کوشید این سیاست ها را افشا و در صورت توان تغییر دهد.

چه فرقی بین یک جنبش سیاسی با جنبش صنفی است؟

برای دانستن این موضوع مثالی می زنیم، مثلاً کوشش برای کاهش زمان ساعات کار در یک کارگاه یا فقط در یک شاخه از صنعت به وسیله اعتصاب یا هر حرکت دیگری، جنبشی صرفن اقتصادی است اما اگر این جنبش به صورت سراسری در آید یک جنبش سیاسی است. در حال حاضر جنبش مخالفت

با خصوصی سازی در هفت تپه، هپکو، معادن چادرملو یک جنبش سیاسی است. یعنی زحمتکشان به منظور پیروز گرداندن منافع خویش به صورت عمومی و سراسری حرکت کرده اند .

در آنجایی که طبقه کارگر هنوز به آن درجه از تشکل سازمانی دست نیافته تا بتواند با اقتدار سیاسی طبقه حاکم به مبارزه ای سرنوشت ساز بپردازد وظیفه همه پیشروان طبقه کارگر است که با کاری روشنگرانه و صبورانه علیه سیاست های طبقه حاکم نسبت به زحمتکشان دست به فعالیت زده و زحمتکشان را به آن درجه از رشد سازمانی برسانند تا به سندیکاهای کارگری و یا احزاب طرفدار طبقه کارگر بپیوندند. در غیر این صورت زحمتکشان به صورت آلت دست طبقه حاکم باقی خواهند ماند.

زحمتکشان زمانی می توانند به صورت یک طبقه به سمت نبرد نهایی بروند که در حزب سیاسی خود متشکل شده باشند. این اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه زحمتکشان از قیل در مبارزات اقتصادی در سندیکاهای کارگری متشکل شده باشند و فن مبارزات مختلف اعم از اعتصاب، چانه زنی و ... را آموخته باشند. بی تردید مبارزه طبقه کارگر در جریان مبارزات اقتصادی و سیاسی با هم پیوندی ناگسستنی دارند.

در کارگاهی کار می کنم کارفرما مرا بیمه ننموده ، چگونه باید احقاق حق کنم؟

پاسخ به استناد ماده ۱۴۸ قانون کار ، کلیه کارفرمایان کارگاه های مشمول مکلفند براساس قانون تامین اجتماعی ، نسبت به بیمه نمودن کارگران واحد خود اقدام نمایند . در صورت تخلف با مراجعه به تامین اجتماعی و سایر مراجع قانونی موردقابل پی گیری می باشد .



مرا تفتیش کنید؛

چیزی با خود ندارم،

جز گل سرخ شعر...

و اندوهم.

جنگ،

برگهای گل،

و خوشه ها را

لگد کوب کرده است!

نزار قبانی شاعر فلسطینی



نه به جنگ، زنده باد صلح!

هر جنگی علیه کودکان است، کودکان قربانی جنگ قدرت‌ها هستند. در جنگ‌ها فرزندان زحمتکشان قربانی سودجویی کسانی می‌شوند که فرزندان‌شان در کاخ‌ها زندگی می‌کنند. سندیکا‌های کارگری صلح طلب و ضد جنگ هستند.

